

# قیام امام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

## تلگرام دکتر شاپور بختیار

به

### دبیرکل سازمان ملل متحد

جناب آقای بزرگوار، دبیرکل سازمان ملل متحد

اخیراً یک لایحه قانونی از طرف دولت جمهوری اسلامی به مجلس اسلامی داده شده که عملاً استقلال نظام پزشکی ایران را از میان می برد. پزشکان ایرانی بعنوان اعتراض به این تجاوز رژیم به حقوق حرفه ای خود، دست به اعتصاب زده اند. حکومت در مقابل این حرکت اعتراضی عکس العمل شديدي نشان داده و تعداد دکتوری از پزشکان را زندانی کرده است. در نتیجه این وضع، امور بهداشتی و درمانی مردم که بر اثر جنگ بی قرچام و ناآرامی های ناشی از کمبود پزشک و دارو زمندت ها قبل در ایران متشنج مانده بود، بیش از پیش وخیم شده است.

اینجا نب توجه خاص آن سازمان را به این مسئله خطیر جلب نموده و انتظار دارد که اعتبار و اقتدار خود را برای احقاق حقوق پزشکان ایرانی و آزادی آن عده زانیان که زندانی شده اند بکار گیرد.

شاپور بختیار

رونوشت به:  
- سازمان بهداشت جهانی  
- سازمان عقوبین المللی

## قیام ملی ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱

خود رهبر نهضت ملی ایران میتوانیم دریاسیم. در جلسه علنی روز ۱۷ شهریور ۱۳۳۰ در مجلس شورای ملی گفت:

"عمال انگلیس همه جا هستند: عمال انگلیس در مجلس، عمال انگلیس در دولت، عمال انگلیس در جامعه، عمال انگلیس در دیپلوماسی، عمال انگلیس در هر جا که هست. در همه جا وجود دارد."

ولی در او خریبنا ۱۳۳۱ مصدق خیلی از مراحل مبارزه را با موفقیت طی کرده بود: در خردادماه ۱۳۳۰ از شرکت نفت انگلیس خلع ید شده بود. در شهریورماه دولت انگلیس اصل ملی شدن نفت را، با پادشاهی هریس نماینده آمریکا به رسمیت شناخته بود. در مهرماه کارشنان انگلیسی از ایران اخراج شده بودند.

نمی نشینند تا بتدریج و در فرصت مناسب زمینه را برای بازگشت وضع سابق فراهم سازند. دکتر مصدق از آغاز تشکیل اولین دولتش به این واقعت کاملاً شاعر بود ولی ضروری می دید که در مبارزه ضد استعماری از نیروی همه قشرهای جامعه استفاده کند و آنجا که اعتقاد و ایمان را بخ به قانون اساسی داشت، می خواست از هر برای موافق تان نمابنده مرتجع با فتوای مجلس تا نزد هم و اعتبار و بیایگاه فلان رجل شناخته شده، در مجلس، ولو متظاهر به همکاری برای رسیدن به هدفش بهره ببرد. ترتیب کار بینه اول مصدق که عتاصر قدیمی و اشراف کهنه مشکوک در آن شرکت داشتند مبین همین اندیشه استفاده از تمام نیروها برای مبارزه با استعمار است. این واقعت تلخ ولی لازم را از کلام

در سپار سال ۱۳۳۱ دکتر مصدق به فکر آن افتاده بود که مبارزه را از جنبه نبرد خارجی بداخل بکشد. زیرا با تجربه یک سال زمانمداری و مبارزه سرخستانه به این نتیجه رسیده بود که نیروی نهائی در مبارزه با استعمار بدون سرداشتن موافقی که ارتجاع و فساد لیسم داخلی با پشتیبانی قدرت استعمارگر، بر سر راه مبارزه ایجاد می کردند، متذوون نخواهد بود.

در یک ساله اول حکومت او حتی عوامل و ایادی شناخته شده شرکت سابق نفت و دولت انگلستان را جزای آن ندیده بودند که به پیرویت تحت فشار افکار عمومی خود را با نهضت ملی شدن نفت هم آهنگ نشان دهند. اما یقین بود که این عده که همه چیز خود را از شرکت اوضاع سابق بدست آورده بودند از سبای

### تحویلی در دیدها و روش های مردم

تزارش هایی که از اسرار کنونی رسد حاکی از این است که انتقال از مرحله ای مقاومت منفی به مقاومت مثبت، گامی آمیخته با تعرض متقابل و ایستادگی حتی خشونت با در برابر برتجا و زوات عوامل رژیم، تقریباً در همه جای آغاز شده است.

مفهوم "خطر کردن" و اصطلاح "دست از جان شستن" در اینجا دوسعی مصداق عملی بقیه در صفحه ۴

### جمهوری اسلامی و پیامد سقوط قیمت نفت

آخرین اجلاس وزیران نفت از یک کسره در جزیره "بریونی" در یوکلاوی برگزار شد، مانند چندین اجلاس قبلی به نتیجه نرسید. یک مفسر نفتی در باره این اجلاس شکت خورده به طنز نوشت: "تنهیا نکته بی که وزیران نفت و یک در اجلاس "بریونی" بر سر آن اتفاق نظر داشتند این بود که اجلاس بعدی باید در یکی از بهترین نقاط جهان تشکیل شود."

با آنچه در چند هفته گذشته بر سر قیمت نفت آمده است، اجلاس آینده اویسک در

### تذکار به نمایندگان عوام مجلس انگلیس

هفتاد و هشت تن از نمایندگان احزاب محافظه کار، کارگرو لیبرال و سوسیال دمکرات دربارلمان بریتانیا، تذکار به گروهی از نمایندگان را درباره تحریم فروش اسلحه به جمهوری اسلامی وعراق امضاء کردند.

در متن این تذکاریه که توسط آقای تیپ بیت یکی از نمایندگان پارلمان انگلیس ارائه شده آمده است:

"مجلس گزارش مربوط به نقض حقوق بشر در ایران را که از طرف گروه پارلمانی حقوق بشر انگلیس انتشار یافته است مورد تأکید قرار می دهد و ضمن ابراز نگرانی از ادامه نقض حقوق مدنی در ایران، از دولت انگلستان خواستار است که سیاست های آن به ثبوت حکومت ستمگریمین منجر نشود و از سیاست تحریم ارسال اسلحه به دوطرف درگیر در جنگ که از سوی دکتر شاپور بختیار ریخته شده است، پشتیبانی بعمل آورد."

بقیه در صفحه ۱۰

### اعتصاب های دیگر در پیش است

موج اعتراضی پزشکان با آله می گیرد

روز دوشنبه چهار ردهم ژوئیه، پزشکان تهران در اعتراض به لایحه نظام پزشکی که از سوی وزارت بهداشت و درمان به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است به اعتصابی سبوتیک دست زده اند.

پیش از تنظیم این لایحه و تحویل آن به مجلس، دولت نظام پزشکی را عملاً منحل و با انتصاب دکتر منافی به سرپرستی نظام، این مرجع صنفی و علمی را که هیئت مدیره آن توسط پزشکان انتخاب شده اند، تعطیل کرده است.

با اعلام اعتصاب پزشکان، دولت جمهوری اسلامی به توقیف و بازجویی دبیرکل نظام پزشکی و ده تن از اعضای هیئت مدیره پرداخت.

آقای دکتر حفیظی دبیرکل نظام، در همین بازجویی دچار شکت قلبی شد که هنوز (دوشنبه ۲ ژوئیه) در بیمارستان هدائن، بخش سی سی، بستری است. دکتر حفیظی در بیمارستان تحت نظارت ساران است و آن ها به هیچ کس از اعضای خانواده دبیرکل نظام پزشکی اجازه ملاقات با وی را نمی دهند.

بقیه در صفحه ۳

# قیام ملی ۳ تیرماه ۱۳۳۱

## بقیه از صفحه ۱

اعلامیه‌ای به این شرح منتشر کردند: "ما امضاء کنندگان ذیل، نمایندگان مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۵ شهریورماه ۱۳۳۱ در تهران، برای حفظ مبادی ملی و مشروعیت در مجلس شورای ملی یاد کرده ایم و بیعت با اینکده در شرایط فعلی ادا نمائیم نهضت ملی جز با زمامداری دکتر مصدق میسر نیست، متعهد می شویم با تمام قوای خود و وسائل موجود از دکتر مصدق پشتیبانی نمائیم. سرلشکر علوی مقدم فرماندار نظامی تهران، اعلامیه تهدیدآمیز شدیدا لایحه‌ای را در کنگره و در مجلس شورای ملی و انتظامی با تانک و زره پوش و کامیون‌های مسلح برای جلوگیری از بروز حوادث در مراکز مهم مانند بازار، دانشگاه و میدان بهارستان منتشر کردند.

## ۲۷ تیر

فرمان نخست وزیر قوام السلطنه صادر شد. قوام پس از گرفتن رای اعتماد از مجلس، اعلامیه‌ای صادر کرد و تهدیدآمیز خود را با درگذرد که با این جملات تمام می‌شود: "... به عموم اظهار می‌کنم که دوره عصیان سپری شده و روزگار عفت‌آزاد و سر حکومت فرا رسیده است. کشیشان را سباحتی دگر آمد. تهران ۱۳۳۵/۲۷/۲۷ رئیس الوزراء قوام السلطنه." (کلام منوچهری به کشیشان را سباحتی دگر آمد از طرف گوینده رادیو، انتشارات "کشیشان" خوانده شد.)

خبرهای از حرکت مردم در تمام شهرستان‌ها به دولت قوام می‌رسید و دستورات تشدید برای جلوگیری از هرگونه تظاهرات مردم به صورت بخشنامه روزی، به استان‌های تهران و فرماندهان لشکرها در شهرها می‌فرستادند. روزنامه "دین" که به جای به سوی آینده، نشریه‌ای شد در شماره ۲۷ شهریورماه درشت، دکتر مصدق را "هوادار امپریالیسم" خواند.

## ۲۸ تیر

خبرهای واکنش از شهرستان‌ها موجب نگرانی مقامات دولتی شده بود. روزنامه اطلاعات خبر داد که: "طبق تلقین خبرنگاران روزنامه خرمشهر و آبادان با انتشار خبر کناره‌گیری مصدق از نخست‌وزیری از عمرین جشنی به مردم دکان‌های خود را بسته و شروع به تظاهرات کرده اند و در برخی شهرها لایحه‌ها و دیگر بخش‌های وابسته همکاران دست‌ازکار گشوده و اعتماد کرده اند."

از صفهان و قزوین نیز خبر رسید که دکان‌های بسته شده و جمعیت کشیسی در تالگرافخانه اجتماع کرده و با نمایندگان جبهه ملی مشغول مبارزه فوری شده و از دکتر مصدق پشتیبانی کرده اند. سیل تلگراف‌های مثبتی برای مصدق به قوام و پشتیبانی از مصدق از تمام شهرستان‌ها به تهران بحدی رسید که وزارت پست و تلگراف بدستور دولت، برخلاف قانون اساسی و مقررات موجود، از اخبار و توزیع تلگرافات خودداری کرد. نمایندگان مجلس، طرفدار نهضت ملی در مقابل تقاضای مردم اعلامیه‌ای منتشر کردند که قسمتی از آن چنین است: "... ملت تهران ایران هرگز مقهور دخالت‌های استبداد شکنانه بیگانگان نخواهد شد و تا حصول نتیجه قطعی و احقاق حق و برپائی کشور زچنگال سیاست‌های استعماری استقامت خواهد کرد. روز دوشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۳۱ در سراسر کشور تعطیل عمومی اعلام می‌شود و امید داریم هموطنان عزیز که همگی طرفداران قیام حقیقی ملت و ادا مبررانه در راه نجات کشوری ما باشند با نهایت آراش و متانت در این جنبش ملی شرکت نمایند..."

## ۲۹ تیر

شهر تهران بحالت تعطیل درآمده بود. کارگران کارخانه‌ها اعتصاب کرده و سرویس‌های تمام خطوط اتوبوسرانی دست‌ازکار گشوده بودند. کارگران پمپ‌بنزین از فروش خودداری می‌کردند.

## ۳۰ تیر

با انتشار اخبار استعفا ی مصدق برای تمایل مجلس به قوام السلطنه، در سراسر مملکت جنب و جوش آغاز شد. در شهرها از بعد از ظهر، تمام کسبه بازار دکان‌های خود را تعطیل کردند. اعضاء جبهه ملی

شکایت انگلستان از ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد به نتیجه مثبتی برای آن کشور نرسیده بود. در پیام کنگره ای انگلستان تعطیل شده بود. سال ۱۳۳۱ با دفاع مصدق در دیوان دادگستری لاهه، در مقابل شکایت انگلستان، شروع شده بود و با اظهارات برتوئور حق طلبانه او و مدارفات مستدل پروفیسورها نری رولین، وکیل ایسرائل، پیش‌بینی می‌شد که دیوان لاهه نتواند با روی حق بگذارد.

مذاکرات با شرکت‌های ایتالیایی و ژاپنی که، علی‌رغم محاصره اقتصادی، می‌خواستند از ایران نفت بخورند در جریان بود.

اکتوبر ۱۳۳۵ هنگامی بود که مصدق به املاجات داد علی، هم بعنوان همدست تان، مین سعادت ملت ایران و هم بعنوان وسیله، ادا مبررانه با استعمار، دست بزند. ولی مانع تازه‌ای بر سر راه او سبز شده بود. مجلس هفتم در ۱۳۳۵ تجدیداً با اکثریتی از همان پایتخت شناخته شده، انگلستان شروع بکار می‌کرد. توضیح آنکه اصلاح قانون انتخابات از آغاز یکی از مهمترین اصول برنامه دولت دکتر مصدق بود ولی در طول سال ۱۳۳۵ گرفتاری‌های مبارزه با استعمار انگلستان و تحریکات بیگانگان در مجالس برای اجرای این اصل نگذاشته و مواعید انتخابات با قوام رسیده بود. دکتر مصدق با احترام و اعتقاد عمیقی که به قانون اساسی و حکومت پارلمانی داشت، جایگزین ندید که انتخابات را به تعویق بیندازد. اما با تمام کوششی که برای تأمین آزادی انتخابات کرد، در نتیجه، انتخابات‌های مقامات فاسد و لوثی و بخصوص فرماندهان لشکری و افسران استعمار، بسیاری از همان نمایندگان شناخته شده سراسر کشور را در آورند. مصدق برای تصفیه ارتش از عناصر وابسته به بیگانگان و خدمتگزاران ارتجاع میخواست بر اساس قانون اساسی وزارت جنگ را نیز خود به عهده بگیرد و بر سر راه اطلاعات قوانین مالی و اقتصادی و بازاری یک‌دانه‌گسری واقعی، برای مدتی اختیارات قانون گذاری داشته باشد. ولی شاه با واگذاری اختیارات وزارت جنگ به مصدق مخالفت می‌کرد و نمایندگان مجلس هم بدلیل اختیارات مخالف بودند. به این جهت علی‌رغم صدور فرمان مجدد نخست‌وزیری در تاریخ ۱۹ تیرماه، چون شرایط خود را پذیرفته نداشتند در تاریخ ۲۵ تیرماه استعفا کرد. ولی با حرکت وسیع تمام قشرهای جامعه در سراسر کشور که به قیام خونین و پراقتدار ۳۰ تیرماه انجامید، دوباره قوام امورا بدست گرفت. مسأله برای یادآوری این حماسه غرور آفرین ملی و به خصوص برای اطلاع نسل جوانی که سالها بعد "دربی خیری نگهداشته شده، فهرست وار به وقایع روزهای ۲۵ تا ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ آشنا خواهد می‌کنیم.

## ۲۵ تیر

دکتر مصدق پس از سه ساعت مذاکره با شاه، استعفا ی خود را به این شرح تقدیم کرد: "بیشگاه همکاران علیحضرت همایون شاهنشاهی، چون در نتیجه تجربیات کثیری در دولت سابق بدست آمده بیشترت کار در این موقع حساس ایجاب می‌کند که بست وزارت جنگ را فدوی شخص "عهده‌دار شود و این کار را در صورت تصویب شاه نه وقت نشد البته بهترین است که دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملاً مورد اعتماد باشد و بتواند منویات شاه را اجرا کند. با وضع فعلی ممکن نیست مبارزه‌ای را که ملت ایران شروع کرده است پیروزمندان خاتمه دهد. فدوی دکتر محمد مصدق."

همان روز حسین علا وزیر دربار متسلسل استعفا تا مه دکتر مصدق را به رئیس مجلس (دکتر قوامی، امام جمعه تهران) داد و قبولی آنرا از طرف شاه اعلام شد. رئیس مجلس نمایندگان را به تشکیل جلسه دعوت کرد و مجلس بدون حضور نمایندگان فراکسیون نهضت ملی (جبهه ملی) به نخست‌وزیری قوام السلطنه رای تمایل داد.

## ۲۶ تیر

با انتشار اخبار استعفا ی مصدق برای تمایل مجلس به قوام السلطنه، در سراسر مملکت جنب و جوش آغاز شد. در شهرها از بعد از ظهر، تمام کسبه بازار دکان‌های خود را تعطیل کردند. اعضاء جبهه ملی

تخت‌های حمل می‌شد. مردم جنازه جوانی را که در بازارچه سروی نزدیک شمس‌العماره گشته شده بود همراه می‌آوردند و ورود این دسته و با این تشریف بر شور و هیجان ساکنین افزود. و فریادهای جمعیت حاضر در میدان بلند شد. پلیس و سربازان به مردم حمله بردند و اولین زد و خورد شدید جدی در بهارستان شروع شد. مردم با دست‌خالی به مبارزه مشغول شدند سربازان را از روی اسب‌ها پیاده می‌کردند و جیب‌های شهبازی و ارتش را آتش زدند. ساعت ۱۰

تیرا نندازی شدیداً مسلسل ما - سوران بخصوص از روی بام مجلس به طرف مردم شروع نمود مردم فریاد دزدان به طرف سه راه زاله و سرچشمه و شاه‌آباد عقب نشستند. اکنون حمله و جنگ و گریز مردم شروع شده بود. در مقابل حمله سربازان فرار می‌کردند و دوباره هجوم می‌آوردند و در هجوم تعدادی کشته و زخمی می‌شدند. ولی نکته قابل توجه اینست که مردم هنگام این جنگ و گریز کشته‌های خود را همراه می‌بردند و نمی‌گذاشتند بدست مأمورین بیفتند. ساعت ۱۱

در هجوم تازه‌ای که جمعیت به طرف میدان بهارستان برد عده‌ای زخمی و زبیر آتش مسلسل‌ها خود را به پشت ترده‌های مجلس رسانند. فریاد آتشین زنی از پشت ترده‌های مجلس که به اسامی رئیس مجلس با سزا می‌گفت طوری کسانی را که در محوطه مجلس بودند به هیچ‌کس آورد که همه با او پیروا شدند. رئیس مجلس تصمیم گرفت به سعادت‌آباد در وادی با وجود محافظت گارد بدو زخمی‌تری که از مجلس دور شد مورد حمله مردم قرار گرفت. شیشه‌های اتوموبیلش را با سنگ و چوب شکستند تا چارگشت. از ساعت ۱۱ زده نیم بر تعداد کشته‌شدگان لحظه به لحظه افزوده می‌شد و مردم جنازه‌ها را در خیابان اکباتان جمع می‌کردند و بسیاری کشته‌شدگان را بر چوب می‌کردند و به میدان بر می‌گذاشتند. در این موقع هر چند میدان اصلی نبرد میدان بهارستان بود، ولی هر لحظه خبرهای ناگوار از آزد و خورد مردم و تعداد زبیر کشته‌شدگان در دانشگاه و بهارستان و حوالی ناصرخسرو می‌رسید. ساعت ۳ بعد از ظهر

تعداد جمعیت در بهارستان بحدی رسیده بود که دیگر هیچ وسیله‌ای قادر به جلوگیری نبود و به تدریج آتش‌خستگی و همچنین نا فرمانی از دستور فرماندهان نظامی در میان سربازان نمایان می‌شد بطوریکه فرماندهان واحدها روحیه خود را باخته بودند. در این موقع به جمعیت بهارستان خبر رسید که در میدان سپه یک سرهنگ ارتشی از تانک بیرون آمده و با گون‌های خود را کشته و فریاد زده است من بیطرف مردم شلیک نمی‌کنم. ساعت ۴ بعد از ظهر

تعداد جمعیت در بهارستان بحدی رسیده بود که دیگر هیچ وسیله‌ای قادر به جلوگیری نبود و به تدریج آتش‌خستگی و همچنین نا فرمانی از دستور فرماندهان نظامی در میان سربازان نمایان می‌شد بطوریکه فرماندهان واحدها روحیه خود را باخته بودند. در این موقع به جمعیت بهارستان خبر رسید که در میدان سپه یک سرهنگ ارتشی از تانک بیرون آمده و با گون‌های خود را کشته و فریاد زده است من بیطرف مردم شلیک نمی‌کنم. ساعت ۴ بعد از ظهر

رئیس مجلس به مجلس آمد و دستوراتی به رئیس‌گارد مجلس داد. آن عده از نمایندگان فراکسیون نهضت ملی که شب در مجلس نماز کرده بودند به مجلس آمدند. اما از آن ۴۱ نفر نماینده‌ای کسب به قوام السلطنه رای داده بودند هیچ‌کدام جرئت نکردند بنیایند. ساعت ۷

جمعیتی که از خیابان‌های منتهی به بهارستان پیش می‌آمدند و بیعت ما نعت سربازان نمی‌خوانستند و رد می‌شدند. دولت هشتم اطلاع نمی‌دهد؟ همین موقع به قوام اطلاع دادند که نیروهای انتظامی شهر را ترک کرده اند مردم کلانتری‌ها را اشغال کرده اند. ساعت ۵ بعد از ظهر

قوام السلطنه به دربار رفت و استعفا خود را به شاه تقدیم کرد. حدود ساعت پنج و نیم حسین علا وزیر دربار به مجلس رضوی رئیس فراکسیون نهضت ملی اطلاع داد که قوام استعفا کرده است و دستور اکید داده شده که نظای آنها به سربازان زخا نه‌ها برگردانند. پس لازم است که قوام فراکسیون نهضت ملی خودشان امنیت شهر را مورد توجه قرار دهند. فراکسیون نهضت ملی برای حفظ نظم و امنیت شهر و انتشار اخبار استعفا ی قوام اقدام کرد. مردم این پیروزی بزرگ خود را با شور و هیجان غیرقابل توصیف استقبال کردند. ساعت ۷ بعد از ظهر

جمعیت کشیسی در مقابل منزل دکتر مصدق اجتماع کردند. مصدق در سراسر بقیه در صفحه ۳

در نقاط مختلف شهر تظاهرات پراکنده‌ای مردم را با نیروهای نظامی و انتظامی درگیر کرده بود. زد و خورد شدیدی در میدان بهارستان بین اعضاء حزب ایران و دیگر دستجات ملی با پلیس روی داده که به خیابان‌های اطراف بخصوص شاه‌آباد کشیده شد و تا نکه‌ها به طرف مردم حمله بردند. زد و خورد به

زودی در تمام شهر بخصوص در حوالی بازار و سپه میدان شدت گرفت و تعدادی از تظاهرات‌کنندگان زخمی شدند. تعداد کشته‌شدگان به روایت‌های مختلف بین ۴۰ تا ۸۰ نفر ذکر شده و زخمی‌شدگان را ۷۰ نفر در بیمارستان سینا - ۴۰ نفر در بیمارستان شهرآباد ۱۲ نفر در بیمارستان شیروخورشید ذکر کردند. در آبدان نیز از تظاهرات مردم تعدادی کشته و زخمی بجا ماند و زنی زیر تانک کشته شد. در شهرهای دیگر و بخصوص در کوریا شاه، رشت، تبریز، مشهد، رماشیه و مغان تظاهرات تشدید صورت گرفت.

نمایندگان مجلس عذوبه ملی - که از این هنگام فراکسیون نهضت ملی تا میده می‌شد - جلسه‌ای به ریاست مهندس رضوی تشکیل دادند و پیش نویس یک تلگرام به شاه و یک اعلامیه خطاب به مأمورین انتظامی را در اختیار خبرنگاران گذاشتند.

## ۳۰ تیرماه

از جان خود گذشتیم - با خون خود نوشتیم یا مرگ یا مصدق. ساعت ۴ صبح

مردم تهران و بخصوص ساکنان حوالی میدان بهارستان با صدای کامیون‌های نظامی متعددی که امانت بر نیروهای نظامی قبلی از یادگان‌های مختلف و اطراف شهری رسیده و نیروی مسلح می‌گردد، بیدار شدند. بلافاصله تا نکه‌ها و زره‌پوش‌های دیگری در نقاط مختلف شهر موضع گرفتند. ساعت ۵

میدان بهارستان صورت یک قلعه‌نظامی در حال جنگ را بخود گرفته بود. تا نکه‌ها و زره‌پوش‌ها بخصوص در داخل خیابان‌های شاه‌آباد - صفی علیشاه - بهارستان - دروازه شمیران و اکباتان موضع گرفته و روی پشت‌بام‌ها سنگ‌بارانی شده و مسلسل‌های سبک‌کار گذاشته شده بود. ساعت ۶

رئیس مجلس به مجلس آمد و دستوراتی به رئیس‌گارد مجلس داد. آن عده از نمایندگان فراکسیون نهضت ملی که شب در مجلس نماز کرده بودند به مجلس آمدند. اما از آن ۴۱ نفر نماینده‌ای کسب به قوام السلطنه رای داده بودند هیچ‌کدام جرئت نکردند بنیایند. ساعت ۷

جمعیتی که از خیابان‌های منتهی به بهارستان پیش می‌آمدند و بیعت ما نعت سربازان نمی‌خوانستند و رد می‌شدند. دولت هشتم اطلاع نمی‌دهد؟ همین موقع به قوام اطلاع دادند که نیروهای انتظامی شهر را ترک کرده اند مردم کلانتری‌ها را اشغال کرده اند. ساعت ۵ بعد از ظهر

قوام السلطنه به دربار رفت و استعفا خود را به شاه تقدیم کرد. حدود ساعت پنج و نیم حسین علا وزیر دربار به مجلس رضوی رئیس فراکسیون نهضت ملی اطلاع داد که قوام استعفا کرده است و دستور اکید داده شده که نظای آنها به سربازان زخا نه‌ها برگردانند. پس لازم است که قوام فراکسیون نهضت ملی خودشان امنیت شهر را مورد توجه قرار دهند. فراکسیون نهضت ملی برای حفظ نظم و امنیت شهر و انتشار اخبار استعفا ی قوام اقدام کرد. مردم این پیروزی بزرگ خود را با شور و هیجان غیرقابل توصیف استقبال کردند. ساعت ۷ بعد از ظهر

جمعیت کشیسی در مقابل منزل دکتر مصدق اجتماع کردند. مصدق در سراسر بقیه در صفحه ۳

### گفتگو با دکتر منوچهر رزم آرا :

## رژیم اسلامی پزشک جلاهدمی خواهد

دکتر منوچهر رزم آرا، وزیر بهداشتی دولت سابق، در گفتگو با خبرنگار ما، سیمای های قلب و اسناد استعدادهای پزشکی، که از جمله اعصاب میباشند، مدبرانه نظام پزشکی ایران بود (تا سال ۱۳۳۵)، درباره اعتصاب پزشکان و اعتراض آنان به لایحه دولت اسلامی که هدف آن انحلال این سازمان منفي و علمي است، به پیام ایران چنین گفت:

"از سال ۱۳۵۷ نزدیک به هشت هزار پزشک ایران را ترک کرده اند. در اواخر آن سال جمعا ۱۶ هزار پزشک را تشدید و به این ترتیب بانک جامعه ما با کمبود شدید پزشک روبروست که این کمبود از کیفیت درمان به طرز غم انگیز گشته است. علاوه بر این، رژیم اسلامی با ادامه حنک بیپوده و سررانی، امکانات موجود پزشکی و درمان را هر چه بیشتر از مردم طلب می کند و در خدمت جنبه های نژاد پرستی دهد. در چنین شرایطی پزشکان ایران که تا حالا از خدمت در جنبه های هنرمندی برای سازمان موزی و مطالعات تحقیقی نداشتند،

حرفه پزشکی، حرفه ای و بی بهره مسا مسئولیت های خطیر است. از سرباز، پزشکان در جامعه از منزلت خاصی برخوردار نبوده اند، بر آن سه تنها متدین ترین وظیفه آنان نبرد با بیماری و مرگ است، بلکه بعنوان یک رازدار مورد اطمینان جایگاه ویژه ای در نزد خانواده ها و مردم دارند.

مقامات جمهوری اسلامی بدون توجه به این مسئولیت های خطیر و سوگندی که هر پزشک با دمی کند، با وقاحت تمام از پزشکان ایرانی خواهند تا بعنوان ما، موران امینتی شان در اختیار رژیم باشند. پزشکان ایرانی از این با خبرند و در هیچ بیمار نمی کنند زیرا با رها بقی می آید که مخالفان رژیم در دگرگونی، زخمی و تیور خورده به طلب و بیایمانی منتقل می شوند و وسیله پزشکی تحت درمان قرار می گیرند. اما ما، موران رژیم بلافاصله بر می رسد و از پزشک معالج می خواهند که نام و ستان بیمار را در اختیار آن ها قرار دهد. افزون بر این، به دفاعات تشویشناک پزشکان ایرانی تا هدیه اند که با بیاداران خونخوار رژیم اسن مجروحان را از روی تخت بیمارستان به زندان منتقل کرده اند و برخی از پزشکان که اعتراض کردند و توبیخ و طایفه و ضوابط حرفه ای خود ایستادگی کردند همراه با مجروح به زندان افتادند...

دکتر منوچهر رزم آرا، در این مورد به قانون نمایی اشاره می کند و وضع دسواریزک آن را در این موضوع حسن و حسن می کند:

"بنابر قانون قرون وسطایی قضای، استبداد دینی حکم به قطع دست و

گوش و کندن چشم می دهد. در این موارد، ما، موران رژیم مدت ها پزشکان را تحت فشار قرار می دادند که دست و گوش و دیگر اعضای محکومان را قطع کنند. چنین چیزی مخالف با روح سوگندی است که پزشکان یاد کرده اند. هیچ پزشکی نمی تواند و حق ندارد عضوی از شخصی را بفرستد و یا از او جدا کند. دولت اسلامی که در این باره با ایستادگی اکندریت پزشکان روبروست، خود به "اختراع" ما سبب قطع دست و انگشت همت گماشت و از پاسداران جلاهدمی خود کسان را ما، موران قطع اعصاب محکومین قانون قضا ص کرد...

اسی در گریه های اصولی که از وظایف و وجدان حرفه ای پزشکان ناسی می بود، جمهوری اسلامی را به تدریج در برابر اربابان ایرانی قرار داد.

تا آنجا که دولت خمینی ما تنظیم تک لایحه، تصمیم به انحلال نظام پزشکی گرفت. رژیم استبداد دینی بیس از تحویب این لایحه، عملا نظام پزشکی را با انحصار آقای دکتر منافی بعنوان دبیرکل نظام منحل کرده است.

"آقای دکتر حفیظی، طبیب برجسته و با فضیلتی است که به سالهای اخیر، نظام پزشکی را با تحمل مشقت و ناراحتی های بسیار محفوظ نگاه داشته است. دکتر حفیظی از احترام بسیار توجیبی در میان پزشکان و جامعه ایرانی برخوردار است. چندی پیش یکی از پزشکان دکتر حفیظی در گذشت و مراسم یادبود و ختم این خویشتاوند دکتر حفیظی چنان انبوه بشمارای از مردم تهران، از هر گروه و طبقه، شرکت جست بود که بمقامات رژیم به وضوح افتادند. پس از آن مراسم که مناد به اعلام اعتراض نظام پزشکی به لایحه دولت بود، دکتر حفیظی را توقیف کرده اند که در زندان دچار سکت قلبی شده. من چند سال پیش افتخار درمان دکتر حفیظی را به علت نارسایی قلبش داشتم.

یک عمل جراحی نیز روی قلب این پزشک عالیقدر انجام شده بود، توقیف و بدرفتاری ما، موران رژیم خمینی، قسب آسیب پذیر دکتر حفیظی را دچار صربه شدید کرد...

"نظام پزشکی بعنوان سازمانی علمی به سازمان موزی و مطالعات و تحقیقات پزشکان شوجه داشت و در راه بیطرفی علمی جامعه پزشکی نقش موثری ایفاء می کرد. با انحلال این سازمان، پزشکان از یک مرکز فعال منفي و علمی محروم خواهند شد.

### اعلامیه نهضت مقاومت ملی ایران در پشتیبانی از حرکت اعتراضی پزشکان

حرکت اعتراضی پزشکان ایران در مقابل لایحه جدیدی که دولت جمهوری اسلامی به مجلس اسلامی داده با عکس العمل خشن و ضد انسانی رژیم روبرو شده است.

به موجب این لایحه عملا "نظام پزشکی این تنها سازمان منفي که تا کنون با همت پزشکان ایران از تصرف عوامل حزب اللهی مومن مانده بود به یک زانگسده دولتی تبدیل خواهد شد. زیرا برای نفوذ عناصر حزب اللهی در این سازمان منفي اصل انشعابی بودن مراجع نظام جای خود را به انحصار یک حکومتی خواهد داد.

رژیم بیشتر ما نه حق طبیبی پزشکان را با انحلال نظام پزشکی و با زداشت دکتر حفیظی رئیس نظام پزشکی و چند تن دیگر از پزشکان سرشناس کشور با سخ گفته است. ولی علی رغم همه تهدیدها و فشارها پزشکان ایران روز چهارشنبه ۲۵ تیرماه ۶۵ اعلام کرده اند که چنانچه پزشکان با زداشت شده بی درنگ آزاد شوند و دولت لایحه جدید را مسترد نماید در آغاز ماه آینده به یک اعتصاب ۷۲ ساعته در سطح کشور دست خواهند زد.

نهضت مقاومت ملی ایران با جلب توجه همه سازمان های بین المللی نسبت به حقوق با عیال شده پزشکان ایران و عکس العمل خشونت آمیز و ضد بشری رژیم، هما نگونه که از آغاز، حمایت بیدریغ خود را از این حرکت حق طلبانه ایران داشته است، با تاءکید برخواست های این قشر خدمتگزار که در سخت ترین شرایط زیستی و حرفه ای به خدمت ما در قلمرو خود ادامه می دهند از کلیه هموطنان خود خاصه از جامعه دانشگاهیان ایران و دانشجویان و استادان دانشگاه های خود، با پشتکار و صمیمیت و احساس مسئولیت پزشکان را برای دهنده و پشت در پشت آن ها تعرض و تهدید دولت ضد ملی و ضد آزادی را عقیم گذارند.

ایران هرگز نخواهد مرد  
نهضت مقاومت ملی ایران

### اعتصابهای دیگر در پیش است

## موج اعتراض پزشکان بالایی گیرد

بقیه از صفحه ۱

نظام پزشکی، هفته آینده به مدت ۴۸ ساعت اعتصاب خواهد کرد و در صورتی که دولت اسلامی، لایحه نظام پزشکی را از مجلس پس نگیرد در روزهای هفتم، هشتم و نهم مرداد دست به اعتصاب گسترده تری خواهند زد.

● گزارشی دیگری حاکی است که ما، موران رژیم، با زده پزشک با زداشت شده را به قم به خانه آیت الله منتظری بردند تا وی با تصایح خود، آن ها را از ادامه مخالفت با لایحه جدید نظام پزشکی با زدارد. اما از آن جا که پزشکان توقیف شده، حاضر به قبول سخنان منظری نشدند، ما، موران رژیم، آن ها را به نقطه نامعلوم بردند.

● دکتر ترقی رضوی، دکتر ملکی، و دکتر برومند در میان با زداشت شدگان قرار دارند.

● روزهای ۱۶ و ۱۷ ژوئیه، عوامل رژیم به خانه های چندین از با نوان پزشک ریختند و به غارت اموال و تخریب منازل آن ها پرداختند. در این میان، رژیم که متوجه شد دارو سازان و داروخانه داران نیز از پزشکان حمایت به عمل می آورند، چند روزی در تهران تعطیل کرده اند.

● دولت میرحسین موسوی که در برابر مقاومت شدید پزشکان، سخت در مانده شده است، به قصد خنثی کردن حقا و مت

ده هزار تن از آنان جلا وطن کرده اند. می گویند به وظایف خود عمل کنند، با تنظیم لایحه جدید که این نظام را متلاشی می کند، برای دفاع از سازمان علمی و منفي به حرکت های اعتراضی آمیخته برخاست.

● گروهی از پزشکان عضو نظام پزشکی تصددا رنده علیه میرحسین موسوی اعلام جرم کردند.

● گروهی از پزشکان عضو نظام پزشکی تصددا رنده علیه میرحسین موسوی اعلام جرم کردند.

● گروهی از پزشکان عضو نظام پزشکی تصددا رنده علیه میرحسین موسوی اعلام جرم کردند.

● گروهی از پزشکان عضو نظام پزشکی تصددا رنده علیه میرحسین موسوی اعلام جرم کردند.

● گروهی از پزشکان عضو نظام پزشکی تصددا رنده علیه میرحسین موسوی اعلام جرم کردند.

## قیام ملی ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱

بقیه از صفحه ۲

جمعیت ظاهرا هر شد و در حالی که بیست و یکم می گویست گفت: "ای کاش من مسروده بودم و ملت ایران را این طور عزادار نمی دیدم." و وقتی آرام گرفت افزود: "مردم، من به جرات می گویم که استقلال ایران از دست رفته بود و شما با رشادت و قداکری خود آن را پس گرفتید." کمی بعد خبر پیروزی ایران در دیوان دادگستری لاهه به تهران رسید و مردم بار دیگر در برابر خانه مهدق به نظاهرات پرشوری دست زدند.

۳۱ تیر

در تهران دیگر زافرا دلیس و سربازان خیابان ها اشری دیده نمی شد حفظ نظم شهر به عهده یک عده از جوانانی بود که به سینه خودنوا رسیا هی نصب کرده بودند و

مراجعت شرکت نفت انگلیس را به ایران غیرممکن می سازد. دکتر صدیق ما بورتشکیل کابینه شد و بست وزارت جنگ را شخما "بعمده گرفت و لایحه اعطای اختیارات برای مدت شش ماه در جلسه ۲۰ مرداد ۱۳۳۱ به تصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسید.

### پس از قیام مقدس ملی

مصدق در مرداد ماه دولت جدید خود را تشکیل داد. بست وزارت دفاع ملی را شخما "عده دار شد.

قیام ۳۰ تیر به موجب قانونی که در مرداد ۳۱ به تصویب مجلسین رسید به نام "قیام مقدس ملی" شناخته شد و قانون اعطای اختیارات شش ماهه در ۳۰ مرداد به تصویب رسید.

- ۱ - اصلاح قانون انتخابات
- ۲ - اصلاح امور مالی و تعدیل بودجه و تقلیل مخارج و برقراری مالیات های مستقیم.
- ۳ - اصلاح امور اقتصادی به وسیله افزایش تولید و ایجاد و اصلاح قوانین پولی و بانکی.
- ۴ - بهره برداری از معادن کشور

- ۵ - اصلاح سازمان های اداری و قوانین استخدامی
- ۶ - ایجاد شورای محلی در دهات بمنظور اصلاحات اجتماعی
- ۷ - اصلاح قوانین دادگستری
- ۸ - اصلاح قانون مطبوعات
- ۹ - اصلاح امور فرهنگی و بهداشتی و وسائل ارتباطی

متعاقبا "قوانینی مانند لایحه عوارض مالکانه - صدی بیست و گشاوران - ملی کردن جنگل ها - تعلیمات اجباری - بیمه های اجتماعی - کارگران به مواد نگاهداری - شغله ها - دربار فعالیت های شگفت آور اقتصادی و اجتماعی دولت دکتر صدیق از قیام ۳۰ تیرماه ۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به علت محدودیت صفحات نشریه فرمت بحث نیست تنها به ذکر یک نمونه اکتفا میکنیم که در پایان سال ۱۳۳۱ علی رغم تمام تضییقات استعمار برای نخستین بار ارزش واردات و صادرات کشور تعادل پیدا کرده و همچنین برای اولین بار در تاریخ ایران بوده سال ۱۳۳۲ از حیث درآمد ( بدون درآمد نفت ) از حیث هزینه ( به اضافه مخارج شرکت نفت ) و بدون محاسبه اضافه درآمد احتمالی، کاملا متعادل بود.

# تحولی در دیدها و روش های مردم

بقیه از صفحه ۱

با فتنه است - پیدا است که مردم بخصوص در سطح قشرهای کم درآمد و محروم، زیر فشار طاقت فرسای برینا نیت و فقر و جبر این واقعیت را هم کرده اند که با انتظار به افکار خود بخودی رژیم، دل سپردن به یک وهم باطل است.

دوره ای فربس که شاخص آن حضور اعتقادی انبوهی از مردم بیرون خمینی و ولادت عناصر و گروه های است که همچنان به کنا را مدن یا او دست با فتن به امکان وقوع تحولاتی در خط انتقال و یاد دست کم تقسیم ثروت امید بسته اند.

این مرحله را به تعبیر دیگری می توان دوره ای بازی گریهای خمینی خواند که به صورت موفق می شود از یک طرف همپاها (متوجه) را با چشم پوشی از این آثار و خدمت بی دریغ گذشته ای آنها - نسبت به نوبت از منته برانند و از طرف دیگر علی رغم وعده های مکرری که سبب از دست نسی به قدرت ستا بری قول (عدم دخالت روحانیون در حاکمیت) مطرح کرده است، آراء و رایگان کلیدی دولت را به حق انحصاری آخوندها تبدیل کند.

شگرد خمینی در این مرحله، تا کی مدوام او بر بنیاد "مستضعف پروری" است با تکرار این شرط که: اگر تحریکات ضد انقلاب و منافقین در میان نباشد، مستکبرین دست از "اخلال و شیطنت بردارند، جمعی توری اسلامی در گونا گوی مدتی اولین نمونه ای حکومتی الله در کوره ای ارض خواهد بود. خمینی با چنین جمله ای "اول" بر هم می آنچه که پیش از "خروج" با قاطعیت بشاگرد داده است، پوششی از "اگرها و مگرها" میان دازد و تانیا "شرط" را بپانه ای می تا زد تا تا موخن ترین و تهدید آید ترین کلمات متعریفی را و این نیز، "روشن گران" را مسبب همی تیره بختی ها و ملی گرائی را را گرائی ضد مذهبی و دیکراسی را مترادف با گناه و ظرف داران آن را در سلسله زندیقان بنشانند و دست آخبر زمینه را برای اعلام آخرین نظر آماده کنند) که انقلاب نکریم تا تکمها را سیر

کنیم. با این همه تمام جید خمینی در این دوره به جلب حمایت قشری بقول خود "مستضعف" و قرار دادن آن ها در مقابل سایر گروه ها و سرانجام کسب دستا ویزی برای سرکوب هرگونه حرکت اعتراضی و طبعا "مقا بله با شرکاء" در روشی تعلق می گیرد که رفته رفته، حق کرده اند در تقسیم "عنا ثم انقلاب" منبون شده اند.

ادامی درآ مدهای کلان نفتی - دخا شری ارزی رشار به او و کارگردانان او امکان می دهد، تا همچنان جماعتی را برای تا "مین" سیاهی لشکر همی" خیا با نی و نشا پیش قدرت بنام "امت همیشه در محنت" در کنار دست داشته باشد.

شنها شی و انزوای رژیم وجدانی صاف مردم از حکومت، در ردیف شاخص های این دوره است. اما در سراسر این مرحله بطور کلی، نا رضائی ها از غالب مقناومت منفی بیرون نیست با درک این خمیسه است که به منظور ترسیم خطوط اصلی مبارزه و کشتن حرکت های اعتراضی خام به سوی اشکال موثر و در همان حال مطابق با شرایط حاکم، برنا می "مقاومت منفی" از سوی نهضت مقناومت ملی ایران بر سر می میشود (با این تاکید که سرانجام با پدید به مرحله اجتناب نا پذیر بیسار و داشت که "مقاومت مثبت" مشخصه ای آن خواهد بود).

در هر حال رژیم به بهانه ای شرایط جنگ و مقابله با تحریکات (استکبارچانی) هرگونه جنبش اعتراضی را ولسو در آرام ترین صورت ها با وحشا نه ترسین شیوه ها پاسخ می دهد و بی اعتنا به بخش و خمی که در گلوها روی هم می نشینند، دایره ای اختناق را تنگ ترمی کند و چون مایه ای در چینه ندارد تا گنگاه نشن و قهر را با لبا بی از نوبش و مهر بیوشاند - تا چار بینیای حکومت را یکسره بر سیاست (ایجاد ترس) بالا می برد.

از این روست که در یکی دو سال گذشته به همان تریاس که کنگیر رژیم به تهدید نزدیک تده جریه "ترس" نیز به انواع خشونت بکار آمده است به نحوی که در موازات گوناگون بپوش های خیا با نی حزب الله به اعباران کوچوب و با رقصه "گرگ بره" را تداعی کرده است. فراوان اتفاق افتاده است که همسوم با سدا ران یا موتور سواران و آبشاش حزب اللهی به زنان و دختران و بیسران جوان (بسی آنگه کمترین لغزشی از مقیاسات "اسلامی" در "آداب پوشش" روی داده باشد) دقیقاً "به همان" سیاست "ترس آفرینی" بند شده است تا مردم با ورگند تخی و زندان و مسرگ همه جا و همیشه آماده است و برای تکان خوردن "مگر به اراده ای ملانان حاکم" جوازی در کار نیست.

امادراین میان آنچه حتی از قلم سروز خیال میسران و معتقدین و معتقدین به "سیاست ترس" نگذشته این بوده است که فشار و کوبش نیز جود موزی دارد و آنگاه که به مردم اسیران احساس دست دهد که (بالا تر از سیاهی رنگی نیست) و (کار به دستخوان رسیده) اشجار رویا دست کم مقدمات انفجار اجتناب نا پذیر خواهد بود همدا وضاع و احوال، خاصه در ماه های اخیر گواهی می دهد که مردم به چنین مرزی رسیده اند که خود نشانه آغاز مرحله ای سوم یعنی وقوع تحول بزرگی است که برکتش سکوت و انتقال به محنت های مقناومت مثبت دلالت دارد.

قابل فهم است که "امولا" این سنگینی سار اختناق و فشار و فقری است که دیوار "ترس" را فرو می ریزد و چشم را به چاره جویی لا قیل در اشکال مقناومت های موضعی "پیوند میزند، ولی در عین حال از نقش آگامی که خواه آرزاهای تحریمی و خواه با شیوه های روشنگری دست داده است نباید غافل بود.

حال و هوای زندگی ملتی در میان است، به نامها و نقل های مسافران و طبعا "شایعات پراکنده نمی توان بیش از حد لازم قیمت داد که خواه نا خواه از بسنده ها و گرایش های شخصی خالی نیست، ولی آنچه که امکانات مطالعه و تحقیق و گزارش های دقیق و حساب شده در دسترس است برخی از همین نامها و نقل ها بویژه وقتی که در لابلائی سطور و جرقه های صداقت موج می زند - بی شک در حده نمونه ها، به قوت استنباط می افزاید. نامهای هموطن هفده ساله ای ما از اینگونه است. با انشائی ساده و آکنده از خلاص و دلسوزی، از واقعه ای حکایت می کند و فارغ از هرگونه خود ستائی به روحیه ای حاکی از شجاعت و احساس مسئولیت و در آگاهی سالم و غنی شهادت می دهد، به گوشه های از این نامها توجه می کنیم.

... هدف من از نوشتن این نامه در دل کردن است. من جوانی ۱۷ ساله هستم که عشق به وطن و آزادی آن، مراد یوانه کرده است و در هر جا که ستمی از طبقات خونخواران پیر کفتران را می بینم مردم می بینم خونم به جوش می آید. مثلاً یک روز به اتفاق یکی از رفقای خود به مجموعه ای بازی ملک شهر اصفهان که زیر نظارتیاد ضلعی با صلاح مستضعفان است، رفتم. در آنجا تمام مردم توسط

مزدوران رژیم تحت کنترل بودند که مبادا پیام کنند... در این حال و احوال بود که دیدیم یکی از پاسداران که قباغه ای او مثل... بویژه طرف زنی که دست در دست شوهرش انداخته بود رفت و به او گفت که: درست راه برو - آن زن سیردل سیلی محکمی به گوش پاشیدار نواخت و زمانی که من این را دیدم خود حال تدم و در دل او را تشویق کردم... خلاصه من و رفیقم با الهام گرفتن از دستورات شما خود را آماده برای برخورد با این آنامان کردیم (اشاره به بیام های رادیو ساران) در همان هنگام که از سیلی محکمی به گوش پاشیدار دغل سواخت، شوهر زن نیز پشت آبداری حواله ای در آن یا ره گوی پاسدار نواخت به نحوی که تعادل یک خون آشام به هم خورد و به زمین افتاد.

بختی از نا به شرح چگونگی دقایق سر رسیدن پاسداران و مقابله ای تماشایان و فرار آن زن و شوهر در پناه مردم اختصاص در دلتا اینجا:

... مردم در جلوی درانتظامات جمع شده بودند که نیروهای سپاه ضلعی با داشتن اسلحه ای گلاش، سر رسیدند و در حالی که زبونانه قبول کرده بودند که نمی توانستند در مقابل ملت مقناومت کنند فرما تدهی آنها پیش آمد و بسا خواستی و نشا از مردم خواست که متفرق شوند، مردم نیز با خویشاالی در حالی که می خندیدند به گشت و گذار در مجموعه پرداخته و شنیدیم که رئیس آنها به یکی از افرادی می گفت با این ها نمی شود در افتاد، ملت همه بشنیدان آنها هستند...

بعید بنماید - ولی نباید از حاکم تجربه غافل بود و نباید پدراموش کرد که او به تنهایی به این "رازهای بزرگ زندگی" دست نیافته است، این نقلی و اثری از برداشتهای جامعه پیرامون اوست.

بیش از این بر حاصل یک نامه گرچه سخت قابل تاء مل است توقف نمی کنیم، حوادث دیگری در همین روزها، در ارتباط با حرکت اعتراضی پزشکان، در اعتصاب تا کسی را ن - در جوشش شعرا رهسای فوق العاده ظریف و تکان دهنده و از این دست (ایران بی فروش می رسد، بی آب و برق) که به تازگی بر سر دیوار شهرها ظاهر شده است و از این دهان به آن دهان نقل می شود... همین این واقعیت است که "ولا ضرورت" پایداری و پرهیز از خاموشی و تانیا "آمیختن اقدام به آگامی را جامعه در مسیر تجربیات خود هم کرده است. در این گیرودار، نکته ای شاید با ارزش تر از همه، این ها مطرح است و این که علی رغم فشاری که تا مسداق سعیت پیش رفته است و علی رغم فقر سیاه و ویرانی و ویرانی تگری با بیان ناپذیری که بر سراسر ایران حاکم است قدرت تمیز مردم نه تنها به هیچ نیرنگی زائل نشده که روز بروز غنا گرفته است. مردم با هوشیاری تمام، گرچه حال آتش گرفتگانی را دارند که قاعدتا "باید به آبی قانع باشند - در انتخاب راه و همراه، فراسات نظرگیری از خود نشان می دهند، آنها گونتی بومی گشتند و با چشم نهان بین، ادعاها را می کا و بند "ویا تمام نیازی که به مسکنی دارند، از فضای کامل غافل نیستند، دلیل آن را می خواهید؟ توضیح می دهیم:

هم اکنون بسیاری از زندگان در با رام که وقتی سخن از "ملت" را کفرتا کبیر بر "ملت" را نماینده ای تا کبیر ببقای استعمار خوانده و به "پهنه سرزمین های اسلامی، فراتر از نشانیات ملی" رای داده و به نوبتی خود به ضرورت "مدور انقلاب" پیای فشرده اند، چندی است که خود را به بزرگ های تازه و به نشانه ای ملی گرائی و حتی پیروی از راه مصداق آراسته و ظاهرا "بنا بر سرخ روز قصه" خلق های تتمدیده، را چا گذاشته اند. ولی پیداست که مردم در شخیص خود از یادها و تجربه ها غافل نیستند ویرا ندیشی صقل خورده ای خود قیمت می دهند و از شکست و نکتت تفکر عاریتی را تا اعلای کا و دیده اند و خلاصه این نیست که به هر سودای خوش نمائی تن در دهند.

این تحولی که تا شالوده های اندیشه و عمل مردم رخنه می کند و رفته رفته ترس را می شوید و با احساس مسئولیت قوت می دهد، البته که پدیدهای امید آفرین و خجسته است، ولی باید پذیرفت آنگاه به غایت دلخواه خواهد رسید که بسوی هدف های مشخص و مطلوب میل کند و هدف گیری و هدف شناسی با حرکت اعتراضی آمیخته شود تا جویبار رهسای پراکنده، در آن معنی که باید به دریا بریزند، راه را گم نکنند و خیزش ها در نتیجه راه در شزارها تا پدید نشوند.

## سمنیار تاریخ نفت ایران

در ساعت ۱۴ روز یکشنبه ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۶ سمنیار ما به منطقه ای واحد های شهری نهضت مقناومت ملی ایران در قسمت مرکزی آلمان غربی در شهر گوتینگن گشا یی یافت. در این سمنیار که تحت عنوان "تاریخ نفت ایران" آغاز شد ابتدا آقای مظهری مسئول واحد شهری گوتینگن به شرکت کنندگان در جلسه خوش آمدگفت و آنگاه یکی از اعضا کمیته اجرایی نهضت مقناومت ملی ایران در آلمان به اهمیت نفت در اقتصاد ایران و نقش دکتر محمد مصدق رهبر کسیر ملت ایران در ملی شدن منابع نفت سخنانی ایراد کرد. سپس آقای دکتر محمدی درباره تاریخ نفت ایران سخنرانی مبسوطی داشت که مورد توجه شرکت کنندگان در جلسه قرار گرفت.

جلسه با خواندن شعری درباره ایران از سوی آقای محمودزاده به پایان رسید. بخش اول این سمنیار در شهر هولنس میندن برگزار شده بود و بخش سوم که قسمت آخر سمنیار می باشد در اواسط ماه اوت برگزار میشود. علاقه مندان می تواننند برای شرکت در جلسه بعدی به مسئولان واحد های شهری منطقه خود رجوع نمایند.

### ایران و خاور میانه



در مطبوعات بین المللی

## جنگ سوریه با حزب الله؟

روزنامه کوتیدین چاپ پاریس مورخ ۱۶ ژوئیه ۸۶ نوشت: سوریه که زمانی خود عوامل جمهوری اسلامی را به لبنان آوردن یک قصد در نفوذ جمهوری اسلامی و دست نشانده شدن را از لبنان برآورد.

کوتیدین می نویسد: روزنامه النهار چاپ لبنان، اخیراً تأیید کرد که هدف سوریه از اعزام نیروی نظامی به محله غرب بیروت، در درجه اول آزادی گروگان ها است که در دست حزب الله اسیرند.

استقرار نیروهای سوریه در بیروت غربی در حال نشان دهنده آن است که سوریه قصد دارد با ردیگر نقش رهبری خود را در لبنان بازیابد و از نیروهای جمهوری اسلامی سلب اختیار کند.

گزارشگر ویژه کوتیدین در بیروت، گزارش را که به انظار حزب الله لبنان که با موافقت سوریه وارد لبنان شدند و اکنون حافظ اسد قصد دارد به نفوذات خود بگذرد، تهیه کرده است که بخش هایی از آن در زیر این نظرستان می گذرد:

پس از خروجی "گزارشگر کوتیدین می نویسد: اوضاع برای حزب الله در بلبلک بسیار سخت شده است. گویا خدا حزب خود را بحال خود برنگردانده است. واقعیت اینست که بنیان دگرگونی اسلامی دیگر آن چیزی نیست که قبلاً بود. رژیم تهران، آنچه را که از سال ۱۹۸۲ در بلبلک بدست آورده بود از دست می دهد. در آن سال که سال حمله اسرائیل به لبنان بود سوریه بخشی از نیروهای خود را از لبنان خارج کرد و دیگر جز قسمت شمالی دره بقاع جای دیگری را در آن سال نداشت و تمام نفوذ سیاسی اش را در لبنان از دست داد.

اما حافظ اسد، رئیس جمهوری سوریه کسی نیست که شکست را به سادگی بپذیرد. او تصمیم گرفت برگ دیگری رو کند و نفوذ خود را در لبنان از طریق جمهوری اسلامی افزایش دهد. بدین ترتیب ۵ هزار پاسدار پس از عبور از مرز سوریه، در بلبلک مستقر شدند و چهره این شهر توریستی را که جمعیت آن ترکیبی از شیعیان و مسیحیان است به کلی تغییر دادند.

مسیحیان، تحت فشار حزب الله ترجیح دادند که بلبلک را ترک کنند و شهرتاریخی بلبلک تبدیل به تهران دوم شد. در دیوار شهر با شعارهای جمهوری اسلامی سیاه شد. شمارهایی که مردم را به جبهه برای آزادی قدس دعوت میکرد بر فراز کوچه و خیابان های شهر ظاهر شد. شعارهای مرگ بر شیطان های کوچک و بزرگ همه جا را پوشاند و اسم امین جمیل رئیس جمهوری لبنان نیز وارد شعارهای دشنام آلود جمهوری اسلامی شد. نوشتا به های الکلی ممنوع شد و چادر اسلامی اجباری.

البته جمهوری اسلامی، برای رسیدن به این هدفها زلزل کردن سرکشیه خود را برکتی به زنانی که جفا با اسلامی می پوشیدند هزار لیره لبنانی جایزه داده میشد. نوجوانان را نیز وارد مجموعه میهم و جشنها که حزب الله کردند که هیچگونه سازمانی به معنی واقعی کلمه ننسازد. حتی حسین موسوی، رئیس شورشیی امل لبنان نیز به حزب الله پیوست. از این زمان، زیرنگاه موافق سربازان سوری که در دروازه های شهر مستقر بودند حکومت شهر بدست حزب الله افتاد. حقیقت اینست که آن زمان حزب الله بر برای سوریه بسیار به دردی خورد حزب اللهی های بی نهایت متعصب،

### هدیه به ریگان

هفته نامه آفریقای جوان در ستون خبرهای اختصاصی خود نوشت: حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه قصد دارد با آزاد کردن حداقل سه تن از هفت تن گروگان آمریکا در لبنان که در دست نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی و دمشق اسیر هستند، هدیه ای به ریگان ریگان رئیس جمهوری آمریکا بدهد. به نوشته آفریقای جوان یک هیئت سوری طی سفری به تهران در ۱۹ تیرماه، طی مذاکراتی پیچیده و خسته کننده سرانجام موفق شد، موافقت رژیم جمهوری اسلامی را برای آزاد کردن این عده بدست آورد.

در بین کسانی که قرار است به گفتم آفریقای جوان، آزاد شوند، نام تیری آندرسون، روزنامه نگار آمریکا نامی دیده می شود. احتمالاً دمشق نام ما رسل گارتن دیپلمات فرانسوی را نیز در این فهرست قرار داده است.

آفریقای جوان - ۲۳ ژوئیه ۸۶

### اسارتگاه گروگانها

به نوشته روزنامه "لوماسن" چاپ پاریس مورخ ۱۸ ژوئیه ۸۶، موضوع گروگان های فرانسوی در لبنان، محور گفتگوهای مقامات فرانسوی با عبداللطیف خدام معاون ریاست جمهوری سوریه را طی اقامت ۲۸ ساعتش در پاریس تشکیل می داد.

خدام که به مرد شماره ۲ سوریه معروف است، در گفتوگوهای مطبوعاتی که دیروز در پاریس با سفر خود به فرانسه ترتیب داد اعلام کرد: سوریه همچنان به گسترش تلاش های خود، به منظور آزادی گروگانها ادامه می دهد.

وی در پاسخ سوال خبرنگاران را جمع به محل اسارت گروگانها گفت: از محل زندانی بودن آن ها دقیقاً اطلاع ندارم، اما مطمئنم است که آن ها در دره بقاع نیستند بلکه در مناطقی دیگری بومی برنده نیروهای سوری در آنجا حضور دارند. وی افزود: تلاش های سوریه برای آزادی گروگان ها، ارتباطی به روابط سوریه و فرانسه ندارد، بلکه صرفاً یک اقدام انسانی و دوستانه است.

در حالی که اکنون دو هفتاد و دو ورود نیروهای سوریه به غرب بیروت می گذرد عبداللطیف خدام بار دیگر ضمن ایراد زاریت از دیدارهای خود با رئیس جمهوری، نخست وزیر و وزیر امور خارجه فرانسه گفت: فرانسه کاملاً اهداف سوریه را در لبنان درک می کند. وی افزود: سیاست سوریه در لبنان عبارت است از حفظ وحدت ملی لبنان و برقراری تفاهم بین همه جناح ها.

خدام گفت: تنها روهی سای بعضی شبه نظامیان لبنان با طرح امنیت سوریه مخالفت می کنند. به گفته وی حتی حزب الله لبنان نیز تهدید کرده است که طرح امنیت لبنان را اجرا کند. معاون ریاست جمهوری سوریه حاضر نشد در باره شکست طرح نزدیکی روابط سوریه و عراق و خرید اسلحه از فرانسه توضیح دهد. اما بهبود روابط دمشق تهران را قدمی مثبت در جهت منافع دوزیم توصیف کرد.

خدام پس از تسلیم پیام حافظ اسد به فرانسه میتران، دیروز پاریس را به سوی دمشق ترک کرد.

به نوشته لوماسن بزودی کارشناسان فرانسوی برای بررسی راه های توسعه همکاری های بازرگانی و فرهنگی بین دو کشور به سوریه خواهند رفت.

لوماسن ۱۸ ژوئیه ۸۶

### تلفن خبری

همه شبان عزیز!

هر روز تلفن خبری نهفت  
مقاومت ملی ایران  
شماره مرجع آن آخرین  
خبرهای ایران و جهان  
فرا می رسد.  
شماره تلفن:  
۸۵ - ۲۶ - ۲۳ پاریس

### دیپلماتهای خمینی

ما هنا مه " اسپکتاکل دوموند " چاپ پاریس (ژوئیه ۸۶) گزارش مفصلی در باره نقش جمهوری اسلامی و سران آن در تروریسم بین المللی، با عنوان: "دیپلمات های خمینی" به چاپ رسانده است که بخش هایی از این گزارش از نظراتان می گذرد:

در ماه ژوئن ۱۹۸۴ یک تیپ مستقل تروریستی به سرپرستی میرهاشم در تهران بوجود آمد.

شورای عالی انقلاب که در سال ۱۹۸۱ تشکیل شد اولین تحت سرپرستی میر حسین موسوی نخست وزیر قرار داد.

عملیات این تیپ را هماهنگ می کنند. از همین زمان نقش جمهوری اسلامی در شبکه های تروریسم بین المللی در لبنان و بعداً " در اروپا اهمیت یافت.

داستان کل جمهوری اسلامی حجت الاسلام خوئینی ها، در این شبکه تروریستی بسیار عمده ای برعهده دارد.

محمد خوئینی ها در سال ۱۹۳۰ در یک خانواده مهاجر قفقازی در ایران به دنیا آمد. چهره وی برای اولین بار در مراسم گروگان گیری دیپلمات های آمریکا در تهران، به عنوان سرپرست گروگان گیران شناخته شد. وی سالها در کشورهای بلوک شرق سربرده است.

در سال ۱۹۴۱ بهنگام حمله شوروی به ایران، خانواده وی طرفداری خود را از شوروی اعلام کرد و در وقایع آذربایجان در سال ۱۹۴۶ عضو وی سرپرستی شبه نظامی محلی جداگانه را برعهده گرفت. اما پس از رهاگویی آذربایجان وی از سوی رژیم شاه محکوم به اعدام شد، و خانواده وی به شوروی گریختند.

از سال ۱۹۷۰ ردهای محمد خوئینی ها در برلین شرقی دیده می شود. وی ظاهراً پس از دیدن دوره های لازم در دانشگاه پاریس توسط روسها در مسکو به برلین شرقی آمده بود و از آنجا با خمینی ارتباط دائم داشت. در سال ۱۹۷۸ سرورگیسه او در مسکو گروگی در تیانوران پیافا میشلووی و یک سال بعد فرانسه در انقلاب اسلامی شرکت می جوید.

در بخش دیگری از گزارش آمده است: آشوب افکنی بین مسلمانان دیگر کشورهای جهان به دیپلمات های جمهوری اسلامی سرده شده است. تسل حدیدی از سفیران و کارداران و اردکشورهای غربی شدند. دیپلمات های جدید ایرانی اغلب زیر سی سال سن دارند و تقریباً تمام آن ها از دانشجویان خط امام اند که دیپلمات های آمریکا را به گروگان گرفته بودند. آموزش آن ها در وزارت امور خارجه اسلامی به مدت یکسال زیر نظر حسین شیخ الاسلام انجام می گیرد.

شیخ الاسلام، این تروتسکیست سابق، هنگام تحصیل در آمریکا از سوی اف. بی. آی. به علت فعالیت های که علیه جنگ ویتنام انجام می داد شنا سائی شده بود. وی اکنون معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی و مسئول هماهنگی عملیات انقلابی در لبنان، سوریه و لیبی است.

قبل از رفتن سفیر فرانسه در لبنان " لوسی دولمار " حضور حسین شیخ الاسلام در دمشق اعلام شده بود و کمی قبل از سو قصد علیه سربازان فرانسوی در لبنان وی در بیروت دیده شده بود.

در زندگی نامه رسمی سید علی خامنه ای رئیس جمهوری، یک دوره خالی از توضیح و اسرار آمیز سه ساله به چشم می خورد. بنا به روایت رسمی وی این مدت را در تبعید گذرانده است، اما گفته نمی شود که کجا بوده است.

واقعیت اینست که این سه سال زندگی خامنه ای بین دانشگاه پاریس و موبای مسکو وارد و گاه های تعلیمات نظامی در کشورهای استونی، یمن جنوبی گذشته است.

ایرانیا ن مدت ها است بی برده اند که این ملا مانند روحانیون سخن نمی گوید. وی که ناطق زبردستی است در نطق های خود بسیار ازواژه های مارکسیستی استفاده می کند و در مجادلات دکلیکتیکی بدطوالتی دارد.

آیت الله ری شهری وزیر امنیتی جمهوری اسلامی، نیز سالها در اردوگاههای تروریستی " زرزحیش " دوره دیده است. اکنون در ایران با یکا های متعصب و پیغمبر در مقه ۱۰

# فرهنگ ایران

۱۳۹۵/۵/۱۳۹۵

## داستانی از شاهنامه - گرم هفتواد

### اردشیر و هیواد

محمد جعفر محجوب

خاندانش را تنباه می کند . سپس ده هزار سوار رگورد آورده سالاری خودمندیه نام شهرگیر را برایشان فرمان دهی می دهد و بدومی گوید : من اکنون مانند نیای خویش اسفندیار رحیلتی خواهم ساخت (اسفندیار نیز در لبای س با زرگان برای گرفتن گنگ دژ ورهایی خواهد بود). شما اگر بر سر دژ در روز خود پادشاه نشین دیدید بدانید که کار گرم یکسره شده است . پنازیدودژ را بگیرد . سپس :  
 گزین کرد از آن مهتران هفت سرد  
 دلیران و شیران روز سرد  
 بی گوهر از گنج بگزید نیز  
 ز دیب و دینار و هرگونه چیز  
 به چشم خرد حیرت ناکیز کرد  
 دو صندوق پر سرب و اورنگ (قلج) کرد  
 یکی دیگر روئین به پیران اندرون  
 که استاد بود و به کار اندرون  
 جوان کردنی کارها کرد راست  
 ز سالار آخور خری دهخواست  
 جوخربندگان جامه های گلیم  
 بیونید و بارش همه زرو سیم  
 اردشیر با هفت مرد جنگی و آن دو جوانی که راهنمایی او را برعهده گرفتند و ده خر پرازیار به پای دژ آمد . تعداد خدمتگاران و پرستندگان گرم اکنون به شصت تن رسیده بود . یکی از آنان پرسید : چه درباردارید؟ اردشیر گفت : همه چیز ، پیرایه و جامه و سیم و زخ و کهرودینا و دینار . ما با زرگان خراسانیم و از بیعت گرم بسیار توانگر شده ایم و برای پرستیدن گرم آمده ایم . در دژ را گشادند و اردشیر را به دژ در آوردند . اردشیر بی درنگ با رها را از خزان فرود آورد دست گرم بر گشاد و هر یک از پرستندگان را چیزی داد . سپس جام شراب را پر کرده و به ایشان عرضه داشت . گفتند ما در موقع خدمت گرم نباید شراب بنوشیم :  
 چو بنشیند بر پای جستان اردشیر  
 که با من خراوان برنج است و شیر  
 به دستوری سرپرستان سه روز  
 مرا و را به خوردن منم دل فرور  
 مگر من شوم در جهان شهرهای  
 مرا باشد از اخترن بهره ای  
 شامی گارید خرم سه روز  
 چهارم ، جوخوشیدگیتی فرور  
 بر آید ، یکی کله سازم فراخ  
 طراقی برتر ز دیوار گناخ  
 فروشنده ام هم خریدار جوی  
 فزاید مرا نزد گرم آب روی  
 پرستندگان مفت خود را نهند و خدمت گرم را به اردشیر و پاران واگذارند و خود به می خوردن نشستند و چندان بخوردند تا مست شدند و زبان کشید گرفت . آن گاه اردشیر با مدد دیگر روئین بیاورد و سرب و قلع را درون آن ریخت و آتش برافروخت ...  
 چون وقت غذا خوردن گرم فرا رسید بدومی سر را از جوی که در آن بود بالا آورد و برای خوردن شیر و برنج دهان بگشود . اما اردشیر :  
 سوی گنده آورد از ریز گرم  
 سرازگنده برداشت آن گرم نرم  
 فرورخت از ریز سرد جوان  
 به کنده درون گرم شد ناتوان  
 طراقی برآمد ز قلعوم اوی  
 که لرزان شد آن کنده و بوم اوی  
 باقی داستان پیداست : اردشیر نخست پرستندگان گرم را که مست به گوشه ای افتاده بودند بگشت و در همان هنگام بریام دژ آتش برافروخت . سپاهیان روی ریختند و دژ را گرفتند و پیش از هر کار به جستجوی هفتواد پسر بزرگش شاهوی که سالار لشکر اونیس بود برخاستند و آن دورا بگیرفتند . در پیش دریا دو دار بلند نصب کردند . آنان را زنده بر دار گردویه تیرباران ایشان را بگشت و نیز :  
 به تاراج داد آن همه خواسته (صال)  
 شد از خواسته لشکر آراسته  
 به دژ هرچه بود از کران تا کران  
 فرود آوردند فرمان بران  
 بیخشد نیمی از آن بر سپاه  
 دگر نیامه بر گنج افزود شاه  
 بگرداند آن کوه آتش کده  
 بسو تازه شد مهرگان وسده  
 سپس اردشیر از آن جای سرفوت فرمان روی آن ناحیه را بدان دو برتا که میزبان و راهنمای وی بودند سپرد .

و هر کار که می کرد به طالع وی می کرد . روزگاری بر این ماجرا بگذشت ، ۲۰ بن خانواد از مواظبت گرم چیزی فروگذار نکردند تا رفته رفته بزرگ شود و کدان برتن او تنگی می کرد . هفتواد بفرمود تا صندوقی سیاه ساختند و گرم را در آن جای دادند و به طالع گرم هر روز کار هفتواد در تنگی بود تا مردی توانگر و صاحب نفوذ و بر قدرت شد . حاکم شهرخواست تا او را بپا زارد و از او چیزی بگیرد ، اما مردم بر هفتواد انجمن شدند و به جنگ با حاکم کجرا را برخاستند . هفتواد به جنگ رفت و حاکم را گرفت و بگشت . پس :  
 به نزد یک او مردم انبوه شد  
 ز مهر کجرا را سوی کوه شد  
 یکی دژ بکود (= ساخت ) از بر تن کوه  
 شد آن شهر با او همه هم گروه  
 نهاد بر آن دژ در آهین  
 هم آرا مگشت و هم جای کین  
 وقتی هفتواد به دژ درآمد ، دیگر صندوق نیز برای گرم کوچک شده بود . بفرمود تا در دژ جوی از سنگ ساختند و گرم را که اکنون از دهایی شده و رویین تن بود و سلاح بر او کار نمی کرد در آن گذاشتند . مردم را به برستش گرم و ادانت و خدمتگاری چند برای برستاری وی گماشت که هر روز دیگی برنج و شیر و گوشت می پختند و بدومی دادند .  
 برآمد بر این کار بر چند سال  
 جویلی شد آن گرم با شاخ و ویال  
 جویک چند بگشت بر هفتواد  
 مر آن حص را نام ، کرمان نهاد  
 همان دخت او بد نگهدار گرم  
 بدرگشته جنگی سپدار گرم  
 در همین روزگار اردشیر برای یک رویه کردن کسار ملک ، سپاهی به سوی کرمان فرستاد . چون هفتواد از این ماجرا خبر یافت برای رویا رویی با اردشیر آماده شد و سپاه خود را در کمین گاه در سر راه کوهستان سی دژ گذاشت . چون لشکر اردشیر فرساده شد آن از کمین گاه به دژ آمدند و دست بر پاران اردشیر گشادند و چندان از ایشان بگشتند که خود به ستوه آمدند . آنجا از سپاه زنده مانده بودند ، زنده و رفتند . اردشیر ، با آن سپاه خود را فرخواست و گوشت تا با زلفا و مینی کشد ، اما لشکریان هفتواد برایشان تا ختن بردند و ایشان را تا لب آبیگری که پشت ایشان بود را نهند . در همین اوقات مردی بد نهاد از اهل جهرم به نام مهرک نوش زاد وقت را غنیمت شمرد و به خانه شاه تاخت و گنج او را به تاراج داد . شب هنگام اردشیر بزرگان لشکر را گرد آورد :  
 بفرمود تا خوان بیا راستند  
 می و جام و رامنگران خواستند  
 به خوان بر نهادند چندی بره  
 به خوردن نهادند سر یکسره  
 چونان را به خوردن گرفت اردشیر  
 بیا مدهمانگه یکی تیز تیر  
 نشست اندر آن پاک فریه بره  
 که تیر اندر آن غرق شد یکسره  
 فرورفتن تیری که از بیرون جا در می آمد در تن آن بره موجب نگرانی مهمانان شد . همه دست از خوردن برداشتند و یکی از آنان تیر را از بره بیرون کشید و دید بر چوبه تیر خطی نقش کرده شد ، دبیران خط را که به پهلوی بود بر خواند . نوشته بودند : ای پادشاه اگر شیک بشنوی ، این تیر را بیا دژ آمده است چه آراش دژ وابسته به بیعت گرم است و اگر من می خواستم آن را به سوی اردشیر می انداختم و تیر از بدن وی می گذشت ، اما نباید که گرم چنین شهریاری را از میان بردارد . اردشیر ناگزیر شد پیش از هر کار رجا را برای از میان بردن گرم بیندیشد . اما در همین حال لشکر هفتواد حمله کرد و سپاه اردشیر را پراکنده ساخت . اردشیر نیز به سوی گریخت و در سر راه خود به خانه ای رسید که دو جوان پاکیزه بر در آن ایستاده بودند و پرستگار اردشیر شاه سف می خوردند . اردشیر همان ایشان شد و چون از پاک دلی ایشان مطمئن شد خود را بدیشان نشان داد و آنان پس از ورود و نیایش بدو گفتند :  
 تو در جنگ با گرم و با هفتواد  
 بسنده ای گرنه بیجسی ز داد  
 یکی جای دارند بر تیغ کوه  
 بدو آندرون گرم و گنج و گروه  
 به پیش اندرون شهر دریا چه بیست  
 دژی بر سر کوه و راهی درشت  
 همان گرم کز مغز اهریمن است  
 جهان آن فریبنده را دشمن است  
 همی گرم خوانی به چرم اندرون  
 یکی دیو جنگی است ریزنده خون  
 اردشیر بدیشان را می شنود ، نخست به شهر فرود  
 خره اردشیر بازمی گردد ، پس از آنک آسایشی به  
 سوی مهرک نوش زاد می رود و بر او دست می یابد و او

آن بخش از شاهنامه که به شرح دوران ساسانی اختصاص یافته ، کم و بیش با تاریخ های معتبر و از قبیل طبری و مسعودی و ثعالبی و دیگران منطبق است . با این حال نمی توان میان بخش حماسی و بخش تاریخی شاهنامه خط فاصلی کشید و گفت : تا این جا بخش حماسی و آمیخته به افسانه است ، و از این جا بخش تاریخی آغاز می شود و قلمرو افسانه پایان می یابد . به همین دلیل است که سرگذشت نخستین پادشاهان ساسانی ، گرچه وجود واقعی تاریخی دارند و بسیاری از حوادث روزگارشان جنبه تاریخی دارد ، باز با افسانه آمیخته شده است . در این میان اردشیر با بگان ، بنیان گذار سلطه ساسانی و شاه اول پیش از دیگر پادشاهان ساسانی وارد عرصه افسانه شده اند ، کواچ که بسیاری از شاهان ساسانی هم از نطفه افسانه برکنار شده اند .  
 یکی از افسانه های که وقوع آن به دوران اردشیر با بگان نسبت داده شده داستان بسیار زیبای گرم هفتواد است . در آثار با زمانه به زبان پهلوی رساله ای هست به نام کاورنامه اردشیر با بگان که متن پهلوی و ترجمه فارسی آن ( از روان استاد مادی هدایت و دیگران ) با رها به چاپ رسیده و انتشار یافته است . در این کارنامه افسانه های مشوب به اردشیر ، و از آن جمله گرم هفتواد ، یاد شده و فردوسی این داستان را با رعایت امانت و در عین حال با فضاحت و زیبایی تمام به نظم آورده است . داستان مربوط به روزگار طلوع اردشیر و دوران نبرد او برای به دست گرفتن قدرت است . صحنه این داستان در کرمان می گذرد . فردوسی وجه تسمیه کرمان را یاد می کند و آن را به محل زندگانی گرم معنی می کند و اشارت وی به همان گرم هفتواد است . اما آهین وجه تسمیه و آن ترجمه اصل علمی ندارد و از منواله ریشه شناسی عوامانه است . به روایت فردوسی کرمان در آغاز " کجرا را " نام داشته است ، اینک داستان :  
 ز شهر کجرا را به دریای پارس  
 که گوید زبالا و پهنای پارس  
 یکی شهر بد سنگ و سرد می  
 ز کوشش بدی خوردن هر کسی  
 در آن شهر دختر تراوان بدی  
 که بی کام و جوینده نان بدی  
 این دختران هر روز در جای یکی نزدیک کوه گرد هم می آمدند . هر یک از آنان خوراکی برای خود پختن می داشت و مقداری پنبه و دوکته ای از جوی خندانگ ( دوکدان ) جعبه ای که دوک ها در آن گذاشتند نزدیک دروازه شهری آمده و همه با هم به نزدیک کوه می رفتند و خوراکی ها را یک جا می کردند و بیسایه می خوردند و تا شب به کار برشتن پنبه می پرداختند و شب هنگام که به خانه بازمی آمدند ، تمام پنبه ها به ریسمان بدل شده بود .  
 بدان شهری چیز و خرم نهاد  
 یکی سرد بد نام او هفتواد  
 بدین گونه بر ، نام او از چه رفت ؟  
 از پرا که او را پسر بود هفت  
 گرمی یکی دخترش بود و بی  
 که نشردی او مهتران را به کس  
 مردی در آن شهر بود که چون هفت پسر داشت او را هفتواد می گفتند . هفتواد تنها یک دختر داشت که او را ونیز با وجود عزیز بودن نزد پدر و مادر و یکدانه دختر بودن ، با دیگر دختران به نزدیک کوه می رفت و پنبه می ریخت :  
 چنان بد که آن دختر نیک بخت  
 یکی سیاه افکنده با داد ز درخت  
 به ره بر ، بدید و سبک بر گرفت  
 کتون بشنوی داستان شگفت :  
 وقتی دختر زیبا سیاه باد زده را به دندان برد و نیچی از آن را گاز زد ، گرمی ضعیف درون سیاه یافت . از سرمه های آن گرم را با دوا نگشت برداشت و بیسایه نرمی در دوکدان گذاشت و چون می خواست پنبه برای رشتن از دوکدان بردارد با خود گفت : من امروز به طالع این گرم پنبه می ریسم . دختران بدین گفته خندیدند ، اما دختر در آن روز و برابری روزهای دیگر تنخ رسید . شب تا دمان به خانه رفت و ورشته ها را به مادر بنمود . از آن روز دختر بر مواظبت گرم هم بست گماشت و هر روز میزان نخ رشتن افزونی می گرفت تا :  
 چنان بد که یک روز مام و پسر  
 بگفتند با دختر بر هنر  
 که چندان بریسی ، مگر با پیری  
 گرفتستی ، ای پاک تن ، خواهی  
 سبک سیم بر ، پیش ما در بگفت  
 از آن سبب و آن گرم که اندر نهفت  
 همان گرم فرخ بدیشان نمود  
 زن و شوهر را روشنایی فرود  
 هفتواد پدر دختر نیز طالع گرم را به فال نیک گرفت



فرانسه و سوریه

سیاست عربی

سفر رسمی عبداللطیف‌خدا م معاون رئیس جمهوری سوریه به فرانسه وجنوب کونا گونی از تفسیرها را سبب شده است. پس از ده سال، این اولین بار است که یک مقام عالی‌رتبه سوریه به فرانسه سفر می‌کند. این سفر را اگر با زدی دی دیپلما تیک بنا می‌نماید، می‌بینیم که دیدار فرانسوا میتران از سوریه، قریب به یکسال و اندی بعد از آن هم نه به وسیله همتای سوریه‌ای که با حضور سرد شماره ۲ دمشق در پاریس بیست فرانسه، با سخن داده میشود.

حافظ اسد در پاریس نوزده سال اخیر سردار خاور میانه عربی توانسته است با ورق‌های برنده و ما شوره‌ای حساب شده بازی کند. هم‌پیمان و متحد شوروی و در همان حال، مبتکر "سیاست سوریه‌ای" است. سیاست سوریه‌ای وی بر دو محور مطلق غرب نیست. با پای می‌زنند و با دست پیش می‌کشد. شاید از این خصیصه ما کما ولایتی حافظ اسد در سیاست است که به او لقب "بیسارک خاور میانه" داده‌اند.

عبداللطیف‌خدا م در پاریس با وزیر امور خارجه، نخست وزیر و رئیس جمهوری فرانسه دیدار و گفتگو داشته‌اند. همگان را عقیده بر آنست که حضور خدا م در فرانسه فرصت مناسبی است تا دولت سوریه در فرانسه رونق‌های هفت شهروند فرانسه سیر در لبنان را سرعت بخشند. این برداشتها تا آنجا نیست می‌رود که: "کلید نجات گروگان‌ها منحصراً" در دست حافظ اسد است.

اما عبداللطیف‌خدا م در سفر خود به پاریس و طی ساعت‌های دراز گفتگو با عالی‌ترین مقامات فرانسه، در چهار رجب مسأله گروگان‌ها باقی نماند. حافظ اسد در تنگنا های اقتصادی و دشواری‌های سیاسی که در ماه‌های اخیر بحران آمیز شده است، در پاریس گریزگاه‌ها می‌جوید. از جمله نکات مهمی که در این سفر به آن‌ها اشاره شد، توسعه روابط با اقتصاد و بازرگانی دو کشور است. فرانسه معنای دقیق گسترش روابط با بازرگانی و اقتصادی با سوریه را می‌فهمد. کشوری که در آن از سال ۱۹۸۴ بحران همه‌جانبه اقتصادی بخش عمومی و خصوصی را فلج کرده و تولید ملی را تا ۳۲ درصد کاهش داده است به یک معنا، در آستانه خطرهای جدی قرار گرفته است. کنگره هشتم حزب بعث سوریه (۵ تا ۲۵ ژانویه ۱۹۸۵) بیش از همه مسائل به‌وضع نابینا مانده اقتصادی حساسیت نشان داد و حافظ اسد به‌نوبه خود در سخنرانی ۱۲ مارس ۱۹۸۵ - چنین گفت: "مجازات خطا کاران و مسئولیت برای افزایش تولید، شعار اصلی است." در حال حاضر بخش عظیمی از کارخانه‌ها تعطیل شده‌اند، سوریه به علت کمبود ارزنی توانسته‌اند و البته ویدکی‌های لازم را خریداری کنند. بیگاری روزافزون سبب مهاجرت‌های عظیم نیروی کار به کشورهای شرومند عربی شده است و این مشکلات آنجا هستند رده‌دهنده می‌شوند که مردم سوریه در فقری فزاینده با گرانسی

روزافزون نیز روبرو هستند. دوسالی است که کالاهای اساسی سوریه چیره‌بندی شده است و افزون بر این قطع آب و برق که روزانه روی می‌دهد، زنجیر شکنی شهرتین‌ها را تلخ کرده است.

فرانسه با آگاهی بروض اقتصادی سوریه، معنای درخواست گسترش روابط تجاری و اقتصادی عبداللطیف‌خدا م را در می‌یابد. مردشماره ۲ سوریه، پس از وساطت و فعالیت برای نجات دوتن از گروگان‌های فرانسوی (دوگزارشگر تلویزیون) بطور رسمی، دست‌کمک دراز کرده است. فرانسه اگر بخواهد به استمداد پارسا گویید با بدین‌نخست‌ا اعتباری هنگفت به نفع سوریه بگشاید و آنگاه "روابط تجاری دو کشور را توسعه دهد." این امر که چه وقتی فرانسه به‌وصول طلب خویش موفق خواهد شد، حتماً موضوعی است که مدیران اقتصادی و تجاری پاریس را دلمشغول خود می‌دارد.

جزاین‌ها، واقعیت ملموس، حضور موثر و سنگین سوریه در خاور میانه است. درست است که سوریه به‌بار تاکنون با اسرائیل جنگیده است، اما شواهد بسیار در سالهای اخیر در دست است که نشان می‌دهد حافظ اسد تجربه‌های تلخ آن ۳ جنگ را تکرار نخواهد کرد. مسأله دیگر، استراتژی کلی سیاست عربی فرانسه است.

فرانسه دوازده‌سال است که در منطقه جنوب‌غرب عربی را گرفته است. این استراتژی همانقدر مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی است که بر مفاصل با گسترش نفوذ شوروی در کشورهای عرب. سوریه نیز نتواند یک کشور عربی، در این سیاست عربی فرانسه جای خود را ندارد. نمی‌توان چنین کشوری را رها کرد تا هر چه بیشتر به سوی شرق به‌فلط.

عبداللطیف‌خدا م در پاریس تکرارکنان وعده داد که سوریه همه‌امکانات

خود را برای رهایی هم‌گروگان‌های غربی در لبنان به‌کار خواهد برد. جالب اینجاست که معاون حافظ اسد، در مباحثه‌ای با فیلیپ روشو (گزارشگر تلویزیون فرانسه که پس از زدی دی روز اسارت به همراه همکاران در (ژرژ سنسن) به‌وساطت سوریه آزاد و از دمشق به پاریس پرواز کرد) بر این وعده‌ها تأکید می‌ورزید.

فرانسویان خوب می‌دانند که حزب الله لبنان، تحت نفوذ لفاظات جمهوری اسلامی دست‌به‌گروگان‌گیری می‌زند. خبرهای رسیده هنوز حاکی از آنست که گروگان‌ها در اسارت حزب اللهی‌ها هستند. پس سوریه برای رهایی آنها با دیدمواقت جمهوری اسلامی را جلب کند. فرستاده‌های حافظ اسد و جمهوری اسلامی

در وقت آمده‌ای بی‌پایان میان دو کشور فرصت دارند تا در مسائل مختلف آزاد دی گروگان‌ها گفتگو کنند. لحظاً امیدوار خدام بیات‌نگر همین امر است که نوعی توافق کلی صورت پذیرفته است. جمهوری اسلامی در چنان وضعی نا بسامان و آسیب‌پذیری است که دیگر نمی‌تواند حرف آخر را از آن خود بدهد. با این حال، فرانسویان سوریه را در اقدامات اخیرش در کسب نیرو به محله غربی بیروت بسیار تشویق کرده‌اند. حضور پارتی‌ها در سوریه در محله‌های که زیر سیطره حزب الله بود، راه سوریه را در گسترش قرا رقبالی اش با تهران آشکار می‌کند. امروز، حزب الله مسلح در بیروت مزاحم سوریه است. آن‌ها سارا از آنجا تا رانده‌ها را "با قیما ننده حزب الله را نیز خواهد داشت تا به تهران بفرستد. در لبنان سرانجام حرف آخر با سوریه است. سوریه نیز احتیاج مبرم به جلب محبت غرب دارد تا از این بست مرکزی ر بحران اقتصادی نجات یابد. آزاد دی گروگان‌ها رشته‌کما بیش‌کسخته این محبت را شاید بگذرد زند.

نامه‌ای از تهران

زبان‌دانی بزرگ

در گرمای شدید تهران بی‌آبی و بی‌برقی تقریباً دائمی و کثافت و آلودگی محیط زیست عذاب آورنده است.

کثافت و آلودگی تهران برای کسانی که این شهر را سال پیش دیده‌اند باور کردنی نیست. از حدود دو هفته پیش سوی نفرت‌انگیزی مناطق وسیعی از تهران و به‌ویژه جنوب آن را فرا گرفته است. بوشی شبیه به بوی گاز می‌باشد یا تخم مرغ گندیده. مردم دلائل گوناگون در مورد منشأ این بوی آزاردهنده دهند. آلودگی، گازهای نیم‌سوخته، یا لایشگاه تهران، قاضی‌آب‌های روبا زوغیره. سرانجام مسئولان رژیم مجبور به افشای علت آن شدند و طی مباحثه‌ای در تلویزیون دولتی گفتند چون کیسه پلاستیکی مخصوص زباله در تهران پیدا نمی‌شود، چاره‌ها را در هوای آزاد و بیابان‌های اطراف تهران تخلیه می‌کنند. پیدا است تل‌عظیم زباله‌های تهران که جمعیت آن از مرز ده میلیون نفر گذشته است زیرا آفتاب داغ تابستان به‌جهت منبعی از آلودگی‌های بیماری‌زا تبدیل می‌شود.

گرمای تهران طاقت فرسا است اما نه برای انواع حشرات و سوسک‌ها و مگس‌ها و موش که به لطف حکومت پرا دبار روح الله خمینی جا و بسکانی مناسب برای تولید و تناسل و تکثیر و تغذیه یافته‌اند.

قطع طولانی آب و برق، آخرین درگیری شدید ناشی از بی‌آبی چه شب پیش در دولت آباد تهران بین ساکنان این محله و عوامل مسلح رژیم روی داد.

با پیدا ناست که خط لوله قطوری از جنوب تهران می‌گذرد که به شهر قلم آب می‌ریزند. مردم دولت آباد معتقدند که همین آب‌ریسانی به‌قیمت با عث قطع آب تهران و "دولت آباد" شده است.

آن‌ها می‌گویند چرا با اعمال نفوذ آیت‌الله حسینی منتظری و صادق خلغالی آب تهران با پد به‌قیمت جاری شود. از همین رو مردم مستأهل دولت آباد، با بیل و کلنگ

به‌خیابان ریختند و برای شکستن این لوله به‌کار بردند. سرسیدن عوام مل رژیم باعث درگیری‌های شدیدی شد که به‌دخالت پاسداران مسلح و مجروح شدن عده‌ای انجامید. اما رژیم که از درستی به‌شدت در تنگناست سعی در دینجینستن درگیری‌ها را به‌سکوت برگذا کند و از همه‌گیر شدن آن جلوگیری کند. ولی واقعیت این است که تا زمانی که کار را همه‌جا دیده‌می‌شود، اعتصاب بزرگان دیگر چیزی نبود که رژیم بتواند بر آن سربوش بگذارد.

یک کارمند وزارت بازرگانی گفت: کارمندان اکنون اعتراض‌های خود را آشکارا بیان می‌کنند. کم‌کاری عمدی در ادارات دیگر امری عادی است، رژیم از گسترش موج اعتصاب در بین کارمندان بیم دارد. از همین رو اخیراً ساعت کار و ورود و خروج کارمندان به‌شدت از سوی عوام مل حزب اللهی کنترل میشود. از سوی دیگر، رژیم به‌بها نه‌هسا و شکل‌های گوناگون به بیرون کردن کارمندان به‌گفته‌اند خود را تهدید کرده است و قصد دارد با یک تیر دو نشان بزند. از یک سو هزینه‌های جاری خود بکاهد بلکه مرهمی بر زخم لاعلاج بی‌پولیش باشد و از سوی دیگر مخالفان خود را از سازمان‌های دولتی دور کند.

همه چیز جمهوری اسلامی در حال فرو ریختن است. آخرین افتضاح در جمهوری اسلامی فرو ریختن ساختمان ایران مرکزی است. زمین‌های با ما هواره متعلق به تلویزیون جمهوری اسلامی است. مردم سقوط این ساختمان عظیم را نشانه‌ی از سقوط رژیم می‌دانند. مسئولان جمهوری اسلامی این ساختمان را مصادف با ۲۲ بهمن ماه گذشته با کوس و کوبنا افتتاح کردند. ساختمان عظیم مذکور با صرف ده‌ها میلیون دلار ارز خارجی و صدها میلیون تومان به‌عنوان مرکز ارتباط زمینی با ما هواره با کمک مهندسان آلمانی ساخته

بزرگداشت

قیام

دائره ۱۳۵۹

به منظور گرامی‌داشت خاطره قیام هیجده تیرماه ۱۳۵۹ و تجلیل از جان باختگان این قیام ملی، با نصدتن از هواداران نهضت مقاومت ملی ایران در جنوب کالیفرنیا وعده‌ای از نمایندگان شد. ساختن کروی شکل که روی چند میله فلزی قرار داشت، اما مقاومت خاک زیر میله‌ها به‌درستی محاسبه نشده بود. چند شب قبل میله‌های فلزی در خاک نرم کم‌مقاومت فرو رفت و ساختمان مرکزی ارتباط زمینی با ما هواره سقوط کرد و هنگام افتادن آن تن بزرگ تماس با ما هواره را بر روی خود له کرد. نتیجه این که پوشش تلویزیونی روستا‌های ایران قطع شد و سازمان تلویزیون جمهوری اسلامی قادر به ارسال تصویر به روستا‌های دور افتاده ایران نیست. جالب این که به‌هنگام سقوط این ساختمان، آتشبارهای فذ هوایی تهران به‌صدا درآمد زیرا جمهوری اسلامی تصور کرده بود هواپیماهای عراقی مشغول بمباران ساختمان مرکز ارتباط زمینی با ما هواره هستند.

گروه‌های گوناگون سیاسی، ساعت ۶ بعد از ظهر روز یکشنبه (۱۲ ژوئیه) در هتل "هالی دی این" در لوس‌آنجلس گرد هم آمدند.

پس از پیش‌سرود "مژده‌گهر" بنام همتوایی حاضران، آقای مهرداد انوری رئیس جلسه، سخنانی در باره برگزاری این مراسم بیان داشت. آنگاه پیام دکتر شاپور بختیار که به همین مناسبت ایراد شده بود، خوانده شد.

سرانجام گرامی‌داشت خاطره دلاوران قیام هیجده تیرماه که چهار ساعت بطول انجامید، شامل چند سخنرانی، نمایش فیلم از جریان با زهری، بیت محقق و دلاوران قیام در سیدانگاه‌های جمهوری اسلامی و بحث آزاد در باره استمرار رومند و مت مبارزات ملی گرایان و شعرخوانی بود. در این جلسه، حاضران به منظور ادای احترام به جان باختگان قیام هیجده تیرماه ۵۹ یک دقیقه سکوت کردند و آنگاه سخنرانان در باره اسیر قیام و مسائل ابوزیسیون خارج از کشور مطالبی بیان داشتند. دوساعت پائینی این گردهمایی به بحث آزاد و گفت و شنود سیاسی اختصاص داشت.

در این بخش، آقایان دکتر حجت‌عالمی و منصور انوری به پرسش‌های حاضران پاسخ گفتند.

سخنرانان این جلسه آقایان علی مسعودی، دکتر محموجیان، مهرداد انوری، حجت‌عالمی و فرهنگ‌فرهی بودند. در ضمن این مراسم پرشور، اشعاری نیز از سروده‌های آقایان اسد تهران و "غروش" در ارتباط با قیام توسط سخنرانان قرائت شد.

مواد مصرفی در تهران روز بروز شکل حادثی بخود می‌گیرد. گاز و ویل که قبلاً از خارج وارد می‌شد، اکنون به علت کمبود رز به‌کلی نایاب است. قفسه‌های مغازه‌ها و سوپرمارکت‌ها خالی است. آنچه هم‌کم پیدا شود، مردم از بیم قحطی احتمالی در چشم‌برهم زدن تمام می‌کنند. به‌کمبودهای قبلی اکنون کمیابی وسایل بهداشتی نیز اضافه شده است. با ورنکردنسی است اما کارخانه‌های تولید خیمه‌راندان و شامپو به‌کلی در ایران تعطیل شده‌اند. رژیم استفاده از جوش شیرین را بجای خمیر دندان تبلیغ می‌کند و بجای شامپو، به مردم توصیه می‌کند از نوعی مابون نتراشیده که به مابون سرافه معروف است استفاده کنند.

# نامه‌ها و نظرها



## دربارهٔ اصحاب عمل

من یکی از علاقه‌مندان نشریه "قیام" ایران هستم و معمولاً به محض دریافت آن، تمام مقاله‌ها و مطالبش را می‌خوانم. در شماره ۱۵۶ که هم‌اکنون در دست دارم، مقاله "اصحاب عمل از آقای هادی بهزاد را خواندم و بقدری از آن لذت بردم که فوراً تصمیم به نوشتن این نامه گرفتم. می‌خواستم به شما نویسنده محترم بگویم که متأسفانه من هم با این گروه که شما آن‌ها را "اصحاب عمل" نامیده‌اید برخورد داشته‌ام و خیالی سعی کرده‌ام که آن‌ها را از این اشتباه بیرون بیاورم، اما همانطور که می‌دانید کار بسیار سختی است. تنها سخن من با هموطنان عزیزم بیشتر با آن دسته از ایرانیانی که در خارج از زمین بصری برده، این است که سعی کنند هر چه بیشتر به مطالعه تاریخ بپردازند و درباره آن بیندیشند (بنده نیز مدت کوتاهی است که اینکار را شروع کرده‌ام و هر چه بیشتر می‌روم، نیاز خود را به دانستن آن بیشتر احساس می‌کنم). کلام طبعاً "مشهدی واقع خواهد شد، اگر هر یک از ما که در گوشه‌ای از دنیای غرب بسر می‌بریم، سعی کنیم محیط خود را بشناسیم و زندگی مردم آنجا را مورد مطالعه قرار دهیم، یقیناً به این نتیجه خواهیم رسید، آنچه که می‌بینیم یعنی پیشرفت اجتماعی، اقتصادی، ... همگی حاصل وجود مکرر است است که متأسفانه ما فاقد آن هستیم ولی از طرف دیگر این فرصت را داریم که از تجربه دیگران که در پیش روی ما است استفاده کنیم. باید یاد بگیریم چگونه افکار و نظریات یکدیگر را تحمل کنیم و چگونه نسبت به خود و دیگران دیکرات باشیم. درباره آینده ایران که بنده آینده فرد فرد ما است، احساس مسئولیت کنیم. وقتی در این راه موفق خواهیم بود که راهی را مطالعه‌ای و آسودگی فکری باشیم زیرا فقط از راه شناختن و آگاهی است که انسان می‌تواند در دستش را از روی موفقیت بیشتر برای نویسندگان و مسئولان "قیام ایران".

فریب م. از تورینو - ایتالیا

چرا در مادرید تشکیلات ندارید؟

محترماً "به استحضار می‌رساند که در صفحه ۱۱ شماره ۳۰ آن جریده شریفه قهرست و نشانی ناخوشایند نهضت مقاومت ملی ایران در سایر کشورها به چاپ رسیده است. چنانچه از فهرست مزبور برمی‌آید نهضت مقاومت ملی ایران در اکثر کشورهای اروپایی دارای شاخه و تشکیلات است به استثنای اسپانیا. با در نظر گرفتن اینکه تعدادی قریب به شصت هزار ایرانی در اسپانیا (طبق آمار پلیس) زندگی می‌کنند، می‌خواستم از حضور مبارکان سئوال کنم چرا تاکنون نهضت مقاومت ملی ایران به فکر ایجاد تشکیلات در مادرید نیفتاده است؟

ضمناً چنانچه نامه مرا در آن نشریه چاپ فرمودید از فرصت استفاده کرده بسیار ممنون خواهم بود که خود شما و

چاب تمام با قسمتی از نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان کرامی فقط برای منعکس کردن نظریات و عقاید و برداشت‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و همراهی ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران با مفاد همه این نوشته‌ها نیست. از نویسندگان نامه‌ها تقاضا می‌کنیم نام و نشانی خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود با دقت و احتیاط نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اشخاص و گروه‌ها هتک حرمت شود و یا عفت و بزرگواری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

با یکی از خوانندگان ارجمند قبول زحمت فرموده شاعر شعری را که با مطلع زیر شروع می‌شود، به بنده معرفی فرمایید و ضمناً با زحمات بسیار که در ترجمه آن کرده‌اید، اگر بنویسند که متن کامل شعر مزبور را از کجایی می‌توان به دست آورد، مطلع آن شعر چنین است: "آمد آن غنایم که تا از اصفهان بگریستم".

با درودهای بی پایان آمنه توری

قیام ایران - هموطن عزیز، آدرس پستی ناخوشایند مرا در اسپانیا در صفحه ۱۲ قیام چاپ شده است. اما دوست‌های عزیز! ت تحریبه قیام متن کامل شعری را که مطلع آن را فرستاده‌اید، نمی‌شناسند و نمی‌دانند شاعر آن چه کسی است.

## دزد فیلسوف

نامه آقای امضاء محفوظ تحت عنوان "سفیر پاکدامن" در شماره ۲۳ مورخ ۱۲ تیر ۱۳۸۴، هفته‌نامه قیام، اینبار در پاسخ به نامه‌های بنجانبی در شماره ۱۵۶ از آقای سعیدرضا نجفی خراسانی سفیر مکتوبی امام جماران از فروشگاه الکترونیک نیویورک بیشتر شبیه یک شوخی بود تا یک مطلب جدی - اینجانب با خواندن این نامه به یاد گذشته یکی از دوستان که چند سال قبل در وزارت ارشاد اسلامی مقامی داشت افتادم. وی می‌گفت در اوایل انقلاب منحوس خمینی و شرکاء هنگامیکه جریان کشتار و قتل عام و اعدام‌های بدون محاکمه با لاکریت و مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های خارج شروع به گزارش قسمتی از این آدم‌کشی‌ها نمودند، بنا به پیشنهاد "حجت الاسلام والمسلمین" هادی خسروا، می‌شاور وقت وزیر ارشاد اسلامی و سفیر بعدی جمهوری ملاحه در وان تیان و رهبر کل تروریست‌های خمینی در اروپا جلسه‌ای از نمایندگان وزارت ارشاد اسلامی، وزارت امور خارجه، نمایندگان انجمن‌های اسلامی در خارج و قسمت موربین المللی سپاه پاسداران در وزارت ارشاد اسلامی تشکیل شد. تساهامبا زهدی درج را اینگونه مطالب در مطبوعات خارجی را بیاورید و قرار بر این شد که نمایندگان از "بسیاراداران حزب الله" که شناختی به زبان‌های خارجی دارند به کشورهای خارج، خصوصاً اروپا و آمریکا اعزام گردند و این افراد موظف بودند تحت عناوین مستعار خود را بی طرف و نامودنموده و به سخگویی به مطالب مندرج در مطبوعات خارجی در مورد جنایات ملایان بپردازند. ولی ما موربت این افراد که نه‌سوا در دست و حسابی داشتند و نه زبان درست میدادند با شکست روبه‌رو شدند و مطبوعات خارجی نه تنها به مطالب ارسال آنجا توجه نکردند بلکه حتی از چاپ مزرخفاتی که وزارت ارشاد اسلامی از تهران برای این افراد به زبان‌های خارجی میفرستاد تا با همان اسامی مستعار روبه‌رو شوند افراد بی طرف به مطبوعات مزبور بدهند خودداری نمودند (...)

با توجه به مطالب مندرج در نامه آقای امضاء محفوظ سعی و کوشش بی‌حاصل ایشان در برآوردن سفیر یا لتودزده معلوم می‌شود که نویسنده، دفاعیه از "سفیر پاکدامن" از همین شیوه استفاده کرده است (...)

ولی مطلب اصلی که ایشان خواسته‌اند تا ما نشان ثابت کنند اینست که آقای سعیدرضا نجفی خراسانی در فلسفه قاضی یعنی فیلسوف و در زبان ما هر یعنی زبان دان و

بظور کلی دانشمند و "بعنوان یک انسان، پاکدامن و کلاماً" میرا از این حرف‌های کودکانه با رانی دزدی هستند".

ضمناً "با بنجانبی یادآوری نموده‌اند که این آقای دکتر سعیدرضا نجفی خراسانی که در نیویورک با رانی دزدیده‌اند آن سعیدرضا نجفی خراسانی معلم دهات مشهد نیستند. اینجانب حرفی ندا ر که مطلب ایشان را قبول کنم ولی قبول این مطلب نه تنها از قبیل عمل سعیدرضا نجفی خراسانی نمی‌گاید بلکه قبلاً آن را چندین بار برمی‌نمایم زیرا چطور یک فرد تحصیل کرده و فاضل در فلسفه و ما هر در لغت‌شناسی (البته به قول ایشان) با این بست و مقام عالی و حساب بخودا جازه می‌دهد یک با رانی مد دلاری از فروشگاه الکترونیک نیویورک، بدزدد؟

ضمناً یادآوری شوم که "این حرف‌های کودکانه با رانی دزدی" اعتراض دا ریوش‌ها همین نیست، این مطلبی است که در دهها روزنامه و مجله خارجی از آمریکا تا اروپا و از آفریقا تا آسیا چاپ شده و کوس رسوا شده سعیدرضا نجفی خراسانی در سراسر جهان زده شده است و هیچ احتیاجی نیست که برای بدنام کردن ایشان به راه‌های دیگری متوسل شد. کدام بدنامی و تنگی از این بدنامی که سفیری از فروشگاهی یک با رانی مد دلاری بدزدد؟

آقای امضاء محفوظ شما که در خارج زندگی می‌کنید خوب بودید و زحمت می‌دادید و به یک فروشگاه در محل اقامت‌تان شریف می‌بردید و سئوال می‌کردید که تحت چه شرایطی ما "مورین فروشگاه‌ها" اجازه دارند فردی را دستگیر نمایند و اگر اشتباه کنند قانون با آن‌ها چه خواهد کرد؟ میداند و نتواند حل می‌کنید...

دا ریوش‌ها همین

## آدم شدن چه مشکل!

در صفحه نامه‌ها و نوشته‌ها، بزرگواری با "امضاء محفوظ" از آقای رجایی خراسانی سفیر خمینی در سازمان ملل متحد به دفاع پرداخته است که با بهره‌گیری از علم لغت و فلسفه در ادوات گرفته است که این مطلب (دزدی بارانی از یک فروشگاه نیویورک) به وی نمی‌چسبد. اما دفاع آقای امضاء محفوظ از "سفیر پاکدامن" پرسش‌هایی برای من به وجود آورده است. ایشان با همه "تقوی و تعهد و دینداری" (مخاطب که آقای خامنه‌ای رئیس جمهوری درباره سفیر پاکدامن بکا برده است) در دادگاه "ظلمت" تبریز، در زمان سلطنت محمد رضا پهلوی چه می‌کرده است؟ علاوه بر آن، با استفاده از کدام مقدرات طاوتی به انگلستان رفت و به اخذ درجه فوق لیسانس و دکتری نائل آمد؟

این از آن روزگار آن سفیر پاکدامن، اما حال اگر براساس این سردا و خاشاک انسانی برخورد را است چگونه راه‌های می‌شود در خدمت رژیم با شکره روایات لرزاننده خونخوار رگش دنیسار را برداشته است؟

گیریم دفاعیه آقای امضاء محفوظ از "سفیر پاکدامن" بر حق و درست است، یعنی ایشان لغت‌شناس و فیلسوف است، اما آنچه آدمی را در معرض قضاوت قرار می‌دهد کرده‌ار است، آقای رجایی خراسانی که بقول آقای امضاء محفوظ با گروه خاصی از فلسطینی‌ها مرتبط بود و با اخوان المسلمین هم سروکاری داشت و امروز نیز مدافع جنایات هولناک رژیم خمینی است که شش فقط همان گناه کوچک با رانی دزدی از وی سر می‌زد و چنین پرونده سبا هی‌نداشت. مثال این سفیر پاکدامن، ما را به یاد مثل عامیانه‌ای می‌اندازد که می‌گوید: ملا شدن چه آسان - آدم شدن چه مشکل!

آلمان - رحمانی

## تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - لندن

شماره ۲۲۱۰۶۶۸

## اعتصام‌های دیگر در پیش است

### موج اعتراض پزشکان

#### با لاهی گیرد

بقیه از صفحه ۳

آن‌ها، در نظر دارد هزار و پانصد پزشک از هندوپاکستان استفاده کند.

اعتصاب ۱۴ ژوئیه پزشکان در ایران، در رسانه‌های گروهی جهان، با زتاب یافته است.

"لیبراسیون"، در شماره مورخ ۱۸ ژوئیه خود زیر عنوان "نظام پزشکی ایران علیه نظام اسلامی به با خاسته است" می‌نویسد: رژیم اسلامی، نخستین اعتصاب حرفه‌ای سراسری را از سال ۱۳۵۷ تاکنون تجربه کرد.

روز ۱۴ ژوئیه، پزشکان ایران و کارکنان سایر رشته‌های پزشکی دست به اعتصاب زدند و رژیم اسلامی را به مبارزه فراخواندند. گزارش‌های مستند حاکی است که ۹۰ درصد پزشکان و کسانیکه در حرفه‌های پزشکی شاغول هستند، در اعتصاب شرکت کردند.

لیبراسیون می‌افزاید: پزشکان ایران، اینک سرخشان در برابر رژیم اسلامی پایداری می‌کنند. آن‌ها به با زداشت رئیس نظام پزشکی، دکتر محمد علی حقیقی، به پزشکان دیگر و همچنین به اشتغال با دکتر سنان فی به ریاست نظام، به رغم قوانین موجود به شدت اعتراض کرده‌اند.

روزنامه لیبراسیون در ادامه گزارش می‌نویسد: پزشکان ایران، با اعتصاب سراسری خود، در حقیقت، به محدودیت‌های هر چه بیشتری که رژیم اسلامی علیه حرفه‌های پزشکی، اعمال می‌کند، نیز اعتراض کردند.

ده‌ها پزشک بیمارستان، در چند ماه گذشته، هدف حمله و هجوم‌های خونخوار عناصر واپس‌گرای اسلامی که علیه پزشکان تجهیز شده‌اند، قرار گرفته‌اند و رژیم اسلامی نیز در انتقام جویانه‌ای را علیه این "صف غریب زده" به راه انداخته است. رژیم، پزشکان را عناصر صریضی می‌خواند.

لیبراسیون در پایان می‌نویسد: هرگاه دکتر حقیقی و همکارانش در چند روز آینده از بند توقیف آزاد شوند، نظام پزشکی این بار، یک اعتصاب ۲۲ ساعته در نیمه دوم ماه اوت به راه خواهد انداخت.

رادبوا سرائیل - ۱۸ ژوئیه

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ۲۷ تیرماه اعتصاب اخیر پزشکان را یک توطئه خارجی توصیف کرد و اعتقاد بی‌بنیاد افشاران قریب خورده لقب داد. وی این اقدام را توطئه‌ای علیه رژیم دانست و افزود: برنا هر چیزی دقیق بود، ولی خنثی گردید. حجت الاسلام رفسنجانی پزشکان را مورد تهدید قرار داد و گفت: مردم از اعتصاب چند دکتر آزاد شدند نمی‌روند، و افزود آن‌ها که می‌خواهند اعتصاب کنند بروند، آنها دیگر جایی در این مملکت ندارند.

گزارش‌های قبلی حاکی از آن بود که از هنگام به‌روزی کار آمدن حکومت اسلامی در ایران هزاران پزشک کشور را ترک گفته‌اند و ایران با کمبود شدید پزشک و خدمات درمانی روبه‌رو می‌باشد. بنا بر همین گزارش صرف نظر می‌باشد، تعداد پزشکان ایرانی در سراسر کشور از ۶ هزار نفر تا وزنی‌کند، به عبارتی دیگر در خارج از تهران هر پزشک مسئول درمان یک جمعیت ۱۰ هزار نفری می‌باشد. حجت الاسلام رفسنجانی در نماز جمعه ۲۷ تیرماه، تاکید کرد که پزشکان در ایران امتیازات متعددی دارند، و مردمی که برای رژیم فرزندان و تمام هستی خود را تقدیم می‌کنند افرادی نیستند که اگر دکتران هارا معالجه نکند غم‌دار شوند.

روز دوشنبه ۲۱ ژوئیه از تهران گزارش رسیده است که پزشکان تهران از امروز به مدت ۴۸ ساعت، با ردیگر دست به اعتصاب زدند.

پزشکان تهران ادامه به با زداشت دکتر بروفسور شمس، دکتر ملکی و دکتر پروموند توسط رژیم اسلامی را محکوم کردند و بنا به اعلام قبلی از امروز با ردیگر به مدت ۴۸ ساعت بعنوان اعتراض به جمهوری اسلامی دست از کار کشیدند.



### پیشنهاد ترومن و چرچیل

دکتر مصدق در آغاز دومین دوره زمامداری خود به علت دوپیش آمد یعنی وقوع جنبش پرشور ملی در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۳۵ و صدور رأی دیوان دادگستری بین المللی به نفع ایران انتظار داشت که شرکت نفت و دولت انگلیس با پیشنهادها دقایق قبول تری پیش خواهند آمد. اما چون چنین نشد او با این تصور که اگر دولت ایران پیش قدم نمود آن ها واکنش مسا عدی نشان خواهند داد در هفته اول مرداد با کاردار سفارت انگلیس به مذاکره پرداخت. درباراً این اخذ تماس خبری جزئی حدسیات در باره امکان ارجاع اختلاف به داری منتشر نشد. ولی معلوم گردید که سفیر امریکا نیز در مذاکرات شرکت دارد. و جریان گفتگو به دولت های انگلیس و امریکا اطلاع داده می شود. در تاریخ ۱۶ مرداد وزارت امور خارجه با ابدائی به سفارت انگلیس فرستاد ولی مضمون آن هیچگونه پیشرفتی در مذاکرات با طرح راه حل جدیدی را نشان نمی داد. بلکه برعکس معلومی ما ختگاه اختلاف طرفین بهمان شدت سابق باقی است. قسمت عمده یا دداشت مزبور عبارت از شکایت ایران از روش شرکت نفت و دولت انگلیس مخصوصاً در جلوگیری از معاملات شرکت ملی خود را از پرداخت وجوه متعلق به ایران، و ایجاد اشکالات مالی دیگر بود. آنجا هم که با دداشت اشاره به لزوم حل اختلاف می کرد راهی برای انجام این منظور جز تبعیت از قانون نامه های که ممکن نبود مورد موافقت طرف قرار گیرد ارائه نمی نمود حتی یا دداشت با عبارات تهدید آمیزی بشرح زیر ختم می شد. "لژوما" متذکر می شود چنانچه در پرداخت وجوه متعلق به دولت ایران از طرف بانک های انگلیس و شرکت سابق تا به خیر و مسا محه شود و یا شرکت سابق و دولت انگلستان اقدامات نامشروع خود را به هر صورت که با شد علیه ایران ادامه دهند مسئولیت کلیه اقدامات مزبور و خسارات ناشی از آن من جمیع الجهات متوجه دولت انگلیس و شرکت سابق نفت خواهد بود.

منظور دولت از فرستادن این یا دداشت فقط اتمام حجت بود. زیرا دکتر مصدق بخوبی می دانست که کاردار سفارت انگلیس تا چه حد با نهفت ملی و با شخصی و مخالفت می ورزید بطوری که اسناد و مدارک مربوطه نشان می دهد. نکات مثبت سفارت و وزارت امور خارجه انگلیس در تمام آن مدت بمرحور عدم آماجگی دولت انگلیس به سازش با دکتر مصدق، زمینه سازی برای ساقط نمودن حکومت و تحریک شاه به عزل او دور می زد. بعنوان نمونه ای از گزارش های سفارت انگلیس قسمت هایی از این نامه مورخ ۳ ژوئن ۱۹۸۲ (۱۳ خرداد ۱۳۴۱) (MIDDLETON) به وزارت امور خارجه انگلیس را نقل می کنیم:

"طی گزارش صرف شام با شاه در سعد آباد" به نظر من شاه وضع را با واقع بینی بیشتری نگرد. مثلاً تمهید کرد که نهفت ملی که شاید بخودی خود چیزی مطلوبی باشد، مصدق و هوا خواها نشان آن را منحرف کرده اند. و شاید بهتر بود خود او (شاه) نقشی فعال تری بعهده گرفته و نهفت را به مجرای مخفی سوق داده بود. شاه، همچنین اظهارات سفیر کرد از اینکه ایران از نظر دیپلماتیک عملاً تشنه شده است و تمهید کرد که در شبهای امروز بیطرفی واقعی وجود ندارد. اوصرو حوصله ما را تصحیح کرد و گفت: بنظر او امروز احساسات ضد انگلیسی از شن ماه قبل خیلی کمتر است. بعد گفتگو به نکات مشخصی تر کشید. شاه پرسید: آیا همانطور که دکتر مصدق به ما و اطبیبان داده بود ما قصد داشتیم در راه به مذاکرات مستقیم بپردازیم. من گفتم گمان نمی کنم این مطلب صحیح باشد. و دلائل آن را هم ذکر کردم و گفتم بنظر من سعی در رسیدن به توافق با مصدق بی فایده است. چون او به احتمال قوی هر چه را با آن موافقت کند بعد رد خواهد کرد... ضمناً من با استفاده از فرصت به شاه توضیح دادم که بنظر من در طی یک سال گذشته وضع ایران از لحاظ مذاکره با طرف بسیار ضعیف تر شده است زیرا ما دیده ایم که می توانیم از نفت ایران صرف نظر کنیم و سیاست منفی دکتر مصدق با عث ایجاد رقابت شدیدی از جانب کشورهای دیگر در منطقه خلیج فارس شده است. بنا بر این برای ایران بسیار مشکل خواهد بود که حتی در مساعی بدترین شرایط در آینده قابل پیش بینی بتواند به وضع گذشته خود که قریب ۴۰ درصد نفت خا ورمیانه را تولید می کرد بازگشت کند... بروی هم من این طور احساس کردم که اگر شاه حالا مضار سیاست نفتی مصدق را برای کشورش با واقع بینی بیشتر درک می کند ولی مثل همیشه در اینکه نقش خود او چه یا دید باشد برود است. (۱)

در این هنگام طرفین به اندازه ای از یک دیگر نامه دادند که وضع به بن بست کشیده بود. اما با رد یکبار مذاکره دولت امریکا مانع از آن شده که ارتباط آنها یکبار قطع شود. بدینوسیله دکتر مصدق در باره دولت انگلیس با یک خوش بینی نسبی در باره دولت امریکا همراه بود و هر بار که سخنی از وساطت امریکا به میان می آمد در محافل طرفدار دولت امیدواری تازه ای به حل اختلاف پیدای می شد. اما این خوش بینی بمرور بود چون دولت امریکا هیچ گاه تا ما "به نفع ایران مداخله نمی کرد. این نکته کاملاً واضح بود که شرکت های بزرگ نفت امریکا چون پیشرفت سیاست نفتی ایران را موجب تنزل قرار داده ای خود در سایر کشورهای می دانستند نفوذ در دستگاه دولت امریکا به نفع شرکت سابق به کار می بردند. اما حتی تا آن حده که دولت امریکا اعتقاد به حقانیت ایران و قصد مساعدت به ایران داشت با مقاومت و سرسختی

### نواد روحانی



## مصدق و نهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

### انگلیس و امریکا بر ضد مصدق

شرکت نفت و دولت انگلیس روبروی شد. مثلاً وقتی دولت امریکا به دولت انگلیس گوشزد می کرد که عدم سازش با ایران به پیشرفت کمونیسم کمک خواهد کرد، انگلیس ها وجود این خطرات را تصدیق نمی کردند و می گفتند ایران در هر حال تا یک سال دیگر می تواند ایستادگی به خرج دهد و در آن مدت ممکن است تغییراتی رخ دهد و بنا بر این مساعدت مالی از طرف دولت امریکا به ایران ضرورت ندارد. یا مثلاً دولت امریکا توصیه می کرد که شرکت سابق مقصدار دو میلیون تن نفت موجود در مخازن آبادان را به بهای بین المللی خریداری کند تا گشایشی برای ایران حاصل شود. ولی شرکت سابق با پشتیبانی دولت انگلیس از قبول این پیشنهاد مگردر شرایطی غیر از آنچه در قانون ملی مقرر شده بود امتناع می کرد.

طی مرداد ماه شایعه قصد امریکا به مداخله مجدد در کار نفت ایران در محافل تهران قوت گرفت. تناس دولت ایران با سفیر انگلیس و امریکا اینگونه تعبیری شد که مذاکرات فیما بین به صورت مثلثی درآمده که راه آن درواشنگتن و قاعده آن در تهران و لندن است و انتظار می رفت که نتیجه این مذاکرات به زودی به شکل پیشنهاد جدیدی ظاهر خواهد شد. بالاخره این پیش بینی در اوایل شهریور ۱۳۴۱ بوقوع پیوست. به این معنی که روز ۵ شهریور سفیر امریکا و کاردار سفارت انگلیس نزد دکتر مصدق رفتند و بیای می به شرح زیر از جانب جمهوری امریکا و نخست وزیر انگلستان به او تسلیم کردند.

"اینجا نمایان تلگراف های واصله از سفارت های کبرای مربوطه خود را در ایران در باره مذاکرات اخیر که با جناب عالی به عمل آمده است و همسپین یا دداشتی را که در ۱۷ اوت ۱۹۸۲ (۱۶ مرداد ۱۳۴۱) به عنوان دولت علیا حضرت ملکه انگلستان ارسال داشته بودید مورد مطالعه قرار داده ایم. بنظر اینجانبان مطلب روشن است که حل رضایت بخش مسئله نفت مستلزم اقدام فوری از طرف هر سه دولت خواهد بود.

اینک پیشنهادها را که در این راستا ما حاضرند بعمل آورند به هم می آمیزد. ما در این زمینه آمادگی داریم که مورد تصویب آن جناب واقع شود و منتج به حصول رضایت بخش موضوع گردد.

محرک ما احساسات دوستی میمانه و تاریخی است که نسبت به ملت و مردم ایران داریم و میمانه آرزو مندیم هر چه زودتر موجب حل سریع و منصفانه اختلاف کنونی را فراهم سازیم. امضا: هری اس ترومن - وینستون اس چرچیل.

### ضمیمه

۱ - موضوع غرامتی که با بابت ملی شدن موء سات شرکت نفت انگلیس و ایران واقع در ایران با دید سر داخت شود با در نظر گرفتن وضع حقوقی طرفین که بلافاصله قبل از ملی شدن موجود بوده است و با توجه به کلیه دعاوی و دعاوی متقابل طرفین به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع خواهد شد.

۲ - نمایندگان مناسبی از طرف دولت ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران تعیین خواهند شد که با یکدیگر مذاکره کنند و ترتیب جریان نفت را از ایران بسه با زارهای دنیا بدهند.

۳ - چنانچه دولت ایران با پیشنهادهای مندرجه در دین و بنده فوق موافقت فرماید:

الف - نمایندگان شرکت نفت انگلیس و ایران برای حمل نفتی که هم اکنون در ایران ذخیره است اقدام به تهیه و وسایل لازم خواهند نمود. و همینکه موافقت ها ئی در باره قیمت حاصل شود و شرایط فنی برای با رگیری اجازه دهد با بابت هر مقدار نفتی که بتوانان هر چه زودتر حمل کرد پرداخت مقتضی بعمل خواهد آمد.

ب - دولت علیا حضرت ملکه انگلستان و نمایان تصدیقات موجوده نسبت به ما درات (گال) را به ایران و نسبت به استفاده ایران از (وجوه) استرلینگ مریغ خواهد ساخت.

ج - دولت کشورهای متحده امریکا فوراً مبلغ ده میلیون دلار بلاعوض به دولت ایران برای کمک در رفع مشکلات بودجه ای آن دولت خواهد پرداخت.

دکتر مصدق در همان نظراول پیشنهادها را غبرقاسیل قبول تشخیص داد و چنین ایراد کرد که دولت های انگلیس و امریکا می خواهند یک مسئله خصوصی بین دولت ایران و یک شرکت تجاری را مبدل به یک مسئله بین المللی کنند و دولت ایران نمی تواند یک چنین تغییر ما هیت اختلاف را قبول کند. وزیر امور خارجه امریکا سعی کرد او را متقاعد کند که پیام مشترک دولتین وسیله ای برای رسیدن به نتیجه مطلوب خواهد بود. ولی دکتر مصدق قانع نشد و در تاریخ ۱۶ شهریور علل عدم موافقت خود را طی اعلامیه ای بیان نمود. ما خلاصه مندرجات اعلامیه را نقل می کنیم.

### غرامت

اولاً بعد از صدور قرار عدم صلاحیت دیوان دادگستری بین المللی هیچ مرجعی جز دادگاه های ایران صلاحیت رسیدگی به اختلاف را ندارد حال اگر مدعی بخواهد موضوع را در دادگاه دیگری طرح کند البته موافقت طرف دیگر لازم می آید و مدعی برای جلب چنین موافقت با بدست می آید که چه موضوع ها ئی را می خواهد در دادخواست خود بگنجاند. فقط چنانچه مدعی علیه با طرح چنین موضوعات اصولاً موافقت داشته باشد رجوع اختلاف به دادگاه دیگری امکان پذیر خواهد بود. ثانیاً "شرط" با در نظر گرفتن وضع حقوقی طرفین بلافاصله قبل از ملی شدن "برای ایران قابل قبول نیست. چون دولت ایران قرار داد متیاز ۱۳۱۲ را باطل می داند.

### جریان نفت

اگر منظور فروش نفت موجود در مخازن و تولیدات آینده از طرف شرکت ملی به نرخ بین المللی باشد دولت ایران همیشه با آن موافق بوده و هست. ولی دولت نمی تواند در ترتیبی موافقت کند که نفت به قیمتی غیر از قیمت بین المللی بفروش رسد و در راه صنعت نفت در دست دیگران قرار گیرد.

### رفع تضییقات

این قسمت پیشنهادها در دولت ایران توهین آمیز تلقی نمود. یعنی اظهار کرد معنی آن اینست که دولت انگلیس تا کنون همه گونه فشار غیرقانونی به دولت و ملت ایران وارد آورده ولی اینک می گوید اگر به شرایط پیشنهادی من عمل کنید از این به بعد از فشار و سخت گیری های خود خواهد کم است.

اعلامیه دولت رد پیشنهاد مذکور در باره مشترک را به این عبارت بیان کرد:

"برای دولت انگلستان چنین تصور باطلی حاصل شده که در نتیجه تضییقات آن دولت اکنون دولت و ملت ایران به آن درجه از استیصال رسیده اند که به قبول هر قسم شرایطی حاضر شده و به معامله اضطراری گردن گذارند و حال آنکه با وجود تمام مشکلات اقتصادی و مالی ملت ایران به هیچ قسمتی به قبول شرایط نا روا که به استقلال سیاسی یا اقتصادی یا خدای خواسته به حیثیت و شرافت ملت ایران لطمه وارد سازد تسن در نخواهد داد."

دکتر مصدق هر چند با سخ کتبی به پیام مشترک نداد. ولی گزارشی در باره آن همراه با اعلامیه بالا به مجلس شورا فرستاد. مندرجات گسزارش تحت عنوان "یا داری شرایطی که حل اختلاف را ممکن خواهد ساخت در واقع پیشنهادی در باره برپیش نهادن مشترک متضمن اصول زیر طرح می کرد:

۱ - دادگاه های ایران آمادگی رسیدگی به دعاوی شرکت سابق می باشند اما اگر شرکت نخواهد در ایران اقدام دعا کند دولت ایران حاضر خواهد بود به قضاوت دیوان لاهه رضایت دهد بشرط حصول توافق در مسائل زیر: تعیین میزان و طرز پرداخت غرامت بر اساس هر قانونی که در یکی از کشورهای برای ملی کردن منابع ملای عمل قرار داده شده و مورد قبول شرکت باشد، رسیدگی به دعاوی طرفین برپایه "دوما" خذ زیر: از تاریخ قرارداد ۱۳۱۲ تا تاریخ قرارداد الحاقی ۱۳۲۶ بر طبق قرارداد متیاز و از تاریخ قرارداد الحاقی تا تصویب قانون ملی شدن بر طبق شرایط قرارداد الحاقی که مورد قبول شرکت بوده است، تعیین میزان خسارات مختلفی که شرکت نفت و دولت انگلیس به ایران وارد آورده اند، پرداخت مبلغ ۴۹ میلیون لیره بعنوان علی الحساب که شرکت سابق این مبلغ را در تاریخ ۱۹۵۰ خواهد نمود.

با بابت وجوه قابل پرداخت به ایران به حساب آورده بود. گزارش دولت با اظهاراتی که متضمن تهدید قطع رابطه سیاسی با انگلستان بود به شرح زیر بیان می یافت.

"چنانچه سیاست انگلیس بخواهد بیش از این با امرار وقت و ارسال یا دداشت های بی حاصل فشار اقتصادی خود را ادامه دهد ما در مانع فروش نفت نشود مورد تردید نخواهد بود که سیاست آن دولت نسبت به ایران دوستانه نیست و حال آنکه غرض از ادامه مناسبات سیاسی بین دو کشور حفظ منافع طرفین و ایجاد دروا بط حسنه و حسن نیت متقابل است و با وضع فعلی ادامه مناسبات سیاسی برای طرفین حاصل نخواهد داشت. لذا دولت ایران به خود حق می دهد که برای حفظ منافع خویش از هرگونه اقدامی هر چند منجر به قطع روابط سیاسی شود قوی گذار نکند و مسئولیت عواقب چنین پیشامدی البته به عهده دولت انگلیس خواهد بود."

۱ - از آرشو محرمانه انگلیس سند

# دیپلمات‌های خمینی

بقیه از صفحه ۵

عملیات تروریستی وجود دارد. معروف ترین آن ها اردوگاه سابق بیضا هنگی منظره درنیا و آن است. اردوگاه صالح آباد قم بخاطر آشوبش تروریست‌های اشتراری شهرت دارد. باید از اردوگاه "بهشتیه" که مخصوص آموزش زنان است و تحت سرپرستی زهرا رهزورد همسر میرحسین موسوی قرار دارد نیز نام برد.

در لبنان، دوچهره بنیادگرای مسلمان طرفدار جمهوری اسلامی عیار داشتند: شیخ محمدحسین فضل‌الله و حسین موسوی.

شیخ فضل‌الله در سال ۱۹۷۵ در عراق به دنیا آمد و در سال ۱۹۶۶ وارد لبنان شد. وی به خمینی لبنان شهرت دارد و یکی از رؤسای حزب الله لبنان است.

میرحسین موسوی آموزگار سابق که از جنبش شیعیان اصل به رهبری نیه‌بیری منتسب شده است، سازمان اصل اسلامی را بنیادگذار شده که همراه با حزب الله به نام سازمان جها‌د اسلامی، عملیات تروریستی متعددی انجام داده اند.

حسین موسوی مسئول عملیات تروریستی مرگبار سال ۱۹۸۲ علیه مقر تفنگداران دریایی آمریکایی و سربازان فرانسوی

در لبنان است. که سرانجام منجر به بمباران انتقام جویانه سربازانهای بعثتک از سوی هواپیماهای "سوپر اتاندارد" فرانسوی شد.

شیخ صبحی طفیلی و شیخ حسن نصرالله نیز در وقت دیگر از بنیادگرایان سازمان اصل اسلامی هستند. شیخ فضل‌الله و حسین موسوی با رها به تهران سفر کرده‌اند و با سیدعلی خامنه‌ای و دیگر رهبران جمهوری اسلامی دیدار کرده‌اند. سال گذشته مجلس شورای اسلامی موافقت کرد ۵۰ میلیون دلار در اختیار بنیادگرایان اسلامی لبنان قرار گیرد.

به نوشته هفته نامه "اسپکتاکول دو موند" ارتباط بین حزب اللهی‌های لبنانی و ایرانی به وسیله "فانسل مرندی" تأمین می‌گردد.

آخوند فاضل مرندی قبل از انقلاب اسلامی عضو سازمان مجاهدین خلق بود اما پس از جدایی سازمان مجاهدین از رژیم اسلامی وی به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی پیوست. فاضل مرندی یکی از هفت پایه‌گذار "سازما" است و یکی از پر نفوذترین مقامات سپاه پاسداران است. برادرزاده وی "حسن مرندی" یکی از چهار نفر مسئول قتل حسنعلی

بسنور، نخست وزیر پیشین ایران است. در این میان دو کشور، جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند: سوریه، کدبا نظرس موافق شورای اسلحه و اطلاعات در اختیار جمهوری اسلامی می‌گذارد و لیبی که روابط تنگاتنگی با جمهوری اسلامی دارد. در ژوئن ۱۹۸۲ هاشمی رفسنجانی در دیدار خود از لیبی با قذافی، بنده توافق رسیدند که "بک اتحادیه انقلابی اسلامی جها‌تی" و "ارتش قدس" تشکیل دهند. در اوایل خرداد ۱۹۸۵ خلخال‌سی رئیس سازمان اخوان المسلمین ایران در آری، س هیئت مهمی به لیبی رفت. یک ماه بعد حسین شیخ الاسلام در آری، هیئت دیگری در لیبی با قذافی دیدار کرد.

سهمه با نگاه اصلی شبکه‌های تروریستی جمهوری اسلامی در اروپا عبارتند از: پاریس، هامبورگ و رم که از ماه پیش بروکسل، پایتخت بلژیک نیز به آن اضافه شده است. نکته‌ای که بعد از انفجارها، جندی پیش پاریس از نظر دوپمانند، آن بود که تا مردیایی را انداخته اتوموبیل او را قرض کرده جندی پیش در پاریس از جنگ پلیس فرانسه فرار کرد و در اتوموبیلش سلاح‌های ساخت چکسلواکی بدست آمد، عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی "وراند" آن اتوموبیل فاضل مرندی بوده است و جالب آن که هفته قبل از انفجارها، فاضل مرندی در پاریس دیده شد.

سال گذشته سفارت جمهوری اسلامی در پاریس تعداد دانشجویان ایرانی را در فرانسه بالغ بر ۱۲ هزار نفر اعلام کرد که تنها نیمی از آنان در کلاسهای درس

حاضر می‌شوند. به احتمال فراوان عده زیادی از آنان عوامل جمهوری اسلامی هستند که تحت فرماندهی سرهنگ فصیحی قرار دارند که ۲ سال پیش از فرانسه اخراج شد.

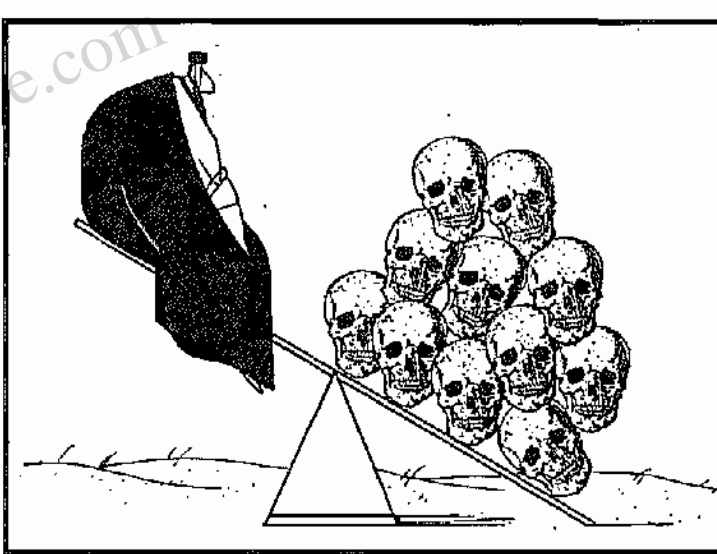
دانشجویان طرفدار جمهوری اسلامی در سازمان به اسمی "انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در فرانسه" - "انجمن دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه" و "انجمن دانشجویان مسلمان در فرانسه" تمرکز یافته‌اند و فعالیت‌های آن‌ها به نفع جمهوری اسلامی برکسی پوشیده نیست.

علیرضا سعیدی کاردار پیشین سفارت جمهوری اسلامی در پاریس نیز از آمریکا بیرون آمد و در سال ۱۹۸۱ عضو کمیسیون سازمان دهمی ساوا بود و از تابستان ۱۹۸۲ زمان حمله اسرائیل به لبنان، تا اوت ۱۹۸۲ که به پاریس آمد، در دوره بقاع سرپرستی پاسداران جمهوری اسلامی را بر عهده داشت. وی اکنون معاون نخست وزیر جمهوری اسلامی در امور امنیتی است. ماه مورست رسمی در هماهنگ کردن عملیات تروریستی در خارج از ایران است.

"هندی خمینی" برادرزاده خمینی نیز در فرانسه است. وی رسماً "سرپرستی خیرگزاری جمهوری اسلامی را در پاریس بر عهده دارد. اما معلوم نیست کسی که نه فرانسه میداننده انگلیسی در پوشش این سمت چه هدای راندنیالی کند (۱۰۰۰۰)

ما هنامه اسپکتاکول دو موند - ماه ژوئیه ۸۶

# جامعه آرمانی "امام"



بقیه از صفحه ۱

طبق فرمایشات آقای خامنه‌ای این استعمار علیه ما علیه بود که با روش مودیانه‌ای در قرن اخیر توی جلد مردم مسلمان ایران رفت و به آن های یاد داد که میشود پیراهن کرباس و شلوار قدک یا چه گشاد و گیوه آجیده و کلاه نمادی را کنار گذاشت و کت و تلواری بپوشید، شلخته و تنبان را به بلوز و دامن تبدیل کرد، میشود غیر از آبدوغ خیابان روستان و پنبه و حلوا کرده و آبگوشت و دمپختک غذاهای دیگری هم خورد، میشود بر سر سفره جلوی هر کس بشقابی علیحده گذاشت و از قاشق و چنگال نفرت نداشت، میشود عوض الاغ اتوموبیل سوار شد، میشود خانه را از آغل جدا کرد، میشود درخت خواب تمیز خوابید، میشود زینش و مگس و سوک و موش فاصله گرفت، میشود در خانه حمام و یخچال و اجاق گاز داشت...

بنابرین، حالا که خداوند تفضل کرده و عنایت قدرت را در کشور اسلامی بدست علمای اعلام سپرده است، بگوری چشم استعمار و استعمار روستا استکبار رهمی این مظاهر زندگی طاغوتی را باید دور ریخت و آسوده شد: "دارنده مباتی، از بلاها رستی!"

حجت الاسلام والمسلمین، برزی بدست خامنه‌ای، برای اینکه مردم ایران متوجه باشند مسأله جدی است و دولت اسلامی تصمیم ندارد در رین مرحله به شعراهای کلی اکتفا کند، در خطبه نماز جمعه فهرستی هم از سواران سراف و تنبذیر

که هفت خانه به یک دیک محتاج باشند و مع الوصف، حکومت با زهم برای مردم نسخه صرفه جویی بنویسد.

حجت الاسلام خامنه‌ای در اراشادات خود راجع به صرفه جویی می‌گوید: "غسدا را متنوع نباید بخت، این یک نیساز حقیقی نیست که ما خیال کنیم که بر سر یک سفره حتماً باید دو جور یا چند جور غذا باشد. امروز بیستیم که نان را در داخل سطل زباله توی کیسه‌های زباله می‌ریزند و زمین می‌رود. نان را استفاده کنید، نان تازه جزء تیارهای حقیقی نیست، نان بیات را هم میشود خوزه، شما وقتی گرسنه باشید نان خشک را هم آتجانان نالند می‌خورید که برای شما ممکن است، زنان تازه لذیذ تر بیاید!

این فرمایش حکیمانه لایذ مقدمه است بر یک حرکت وسیع انقلابی بمنظور محو عادات مذموم طاغوتی به خوردن نان تازه فرهاد است که برای بررسی مضمرات نان تازه سمیناری تشکیل شود و استاد پیشینیانی جنگ به هواداری از مصرف نان خشک آرزو راه بیایی ترتیب دهد و متعاقباً "نانوایان متعهد اعلام کنند در رابطه با بارز هداستعماری است بی‌خاسته و بیخون نشسته و برای آنکه جامعه آرمانی امام خمینی هر چه زودتر صورت تحقق پیدا کند متفقاً" تصمیم گرفته‌اند پخت نان تازه را تحریم کنند.

وقتی قرار شد نان تازه از برنانه غذائی مردم حذف شود مصرف میوه‌جات و سبزیجات تازه بطریق اولی جزء اعمال ضد انقلاب و بلکه فساد را در نظر محسوب خواهد شد و آن وقت دیگر مردم احتیاج به بیخچال خانگی نخواهند داشت، در باره بیخچال و زواهدی ازین قبیل، قبیل از حجت الاسلام ریاست جمهوری آیت‌الله العظمی منتظری ززمه را آغاز کرده و گفته بود: "در سمینار نامه جمعه تذکره دادم و از آریا بجرا شد هم انتظار دارم به ملت تذکره دهند یا جانتان نه بیخچال و نه فریزر داشته باشند، فلاسک هم نداشته باشند، این تشریفات را نداشته باشند!"

فقیه عالیقدر و حجت الاسلام ریاست جمهوری اگر اهل سینما رفتن بودند و فیلم معروف "پاپیون" را می‌دیدند راه حل‌هایی بهتر از این هم برای سیر کردن حکم و مهارت با اسراف می‌توانستند پیشنهاد کنند. در فیلم "پاپیون" که داستان آن هم واقعی است، دیدیم قهرمان داستان بعد از چند روز گرسنگی ماندن در زندان انفرادی چگونگی سوک‌ها را نگاه می‌کرد و چه نوعی آنها را زنده زنده می‌خورد، بگذارید چنددی دیگر بر این مثال بگذرد، مردم بدون آنکه حاجتی به موعظه و ارشاد داشته باشند خودشان خواهند فهمید چه چیزهایی جز "نیاهای حقیقی" است و چه چیزهایی نیست!

## تذکره نمایندگان

### عوام مجلس انگلیس

بقیه از صفحه ۱

با آوری می‌کنیم که رئیس گروه حقوق بشر پارلمان انگلیس در دیدار با شاپور بختیار روستا به پیشنهاد وی، به تحقیق و بررسی در موضوع حقوق بشر در جمهوری اسلامی و نقض حقوق بشر در ایران علاقمندند و کمیته پژوهش پس از یکسال تحقیق گزارش مشروح با ذکر امثال و شواهد و اسناد درمورد دگوناگون منتشر کرد.

از سوی دیگر دکتر شاپور بختیار رهبر نهضت مقاومت ملی ایران طی تلگرافی که به مطبوعات ورا دیپلمات‌های انگلیس مخابره کرد ضمن اظهار اطمینان از این پیششهاد آدامه جنگ را نقطه اتکای رژیم خمینی دانست و گفت، مردم ایران از دو طریق، یکی فاجعات انسانی و دیگری نقض حقوق بشر توسط رژیم قربانی وضعیت کنونی هستند، دکتر بختیار افزود: "دنیا غم غرب با بیستی از هر نوع کمکی، چه آشکار و چه پنهان به این حکومت ظالم خودداری کند و من امیدوارم حکومت انگلستان به این ندای مجلس نمایندگان بریتانیا، توجه کند و آنرا به اجراء درآورد."

در میان امضا کنندگان تذکره ریسه پارلمان انگلستان در تحریم ارسال سلاح به جمهوری اسلامی و محکومیت این رژیم بخاطر نقض حقوق بشر، از جمله نام این نمایندگان می‌شود: دونالد آندرسن، سخنگوی ارتش امپراتور خراج، حزب کارگر، تام پلارک، رئیس کمیته امپراتور خراج پارلمان از حزب کارگر، دیویدا وین رهبر حزب سوسیال دمکرات، سر جفری جانتسون نماینده محافظه‌کار، آن بیت، سخنگوی حزب لیبرال در امپراتور خراج، سر برنارد دسپریس، معاون گروه پارلمانی حقوق بشر که خود این گروه متشکل از نمایندگان کلیه احزاب انگلستان است.

**را دیو محلی نهضت و دانشگتن**

را دیو ایران - را دیو مجلسی نهضت مقاومت ملی ایران شاخه‌ای دانشگتن - ویرجینیا - مریلند یکشنبه‌ها - از ساعت ۱۱ تا ۱۱:۳۰ با مدارای موج متوسط ۱۴۵۰ را دیو W.O.B.

بقیه از صفحه ۱

# جمهوری اسلامی و پیامد سقوط قیمت نفت

## دگرگونی های سریع در بازار نفت

خود را تعیین کرد. عربستان سعودی برای حفظ قیمت، از میزان تولید خود کاست و این روند را تا میانه سال ۱۹۸۵ ادامه داد. به گونه ای که میزان تولید آن از ۲/۳ میلیون بشکه در روز به ۱/۵ میلیون بشکه در روز رسید. در این میان برخی از اعضای اوپک نه تنها از سهمیه تعیین شده خود تجاوز کردند، بلکه برای به دست آوردن بازار بیشتر، قیمت رسمی اوپک را نیز شکستند.

به عنوان نمونه، جمهوری اسلامی در معاملات با سایر بیابانها، نفت است ایران را به هر قیمتی که می خریدند می فروخت. در اجلاس که در واسط سال گذشته برپا گردید، عربستان و کویت که در یک جناح قرار دارند اعلام داشتند که اوپک باید سهم خود را در بازار جهانی نفت که معنای این سخن آن بود سهمیه خود، بدون رعایت قیمت رسمی، نفت بفروشد.

عربستان، با اتخاذ این روش تازه، اندک اندک تولید خود را افزایش داد و با عقد قراردادهای "نت بگ" که خطر کاهش قیمت نفت را از دوش پالایشگر برمی دارد و کشورها در گذشته نفت خام را مسئول نمان قیمت می سازد، میزان فروش خود را از ۲ تا ۳ میلیون بشکه در روز رساند.

با این اقدام در نیمه دوم سال ۱۹۸۵ قیمت نفت سیر نزولی آغاز کرد. کاهش بها تقریباً همه صادرکنندگان را بر آن داشت که با افزایش تولید، کسری خود را جبران کنند و افزایش تولید، روند کاهش قیمت را شتاب بیشتری بخشد.

اوپک آنگاه در اجلاس آخر خود از دیگر صادرکنندگان نفت خواست که به عنوان ناظر در این اجلاس شرکت کنند تا بتوانند با راهی که آنها تویستند قیمت را محاب کنند و این چنین عرضه و تقاضا را در بازار جهانی برابری سازد. تنها صادرکننده عمده غیر عضو اوپک که از شرکت در این اجلاس خودداری ورزید انگلستان بود که رسماً عدم مذاکره خود را در تعیین میزان تولید نفت دریایی سال اعلام داشت. دیگران همانند مصر، نروژ و نیکریک عمده کردت که اگر اوپک تولید خود را کاهش دهد آن ها نیز چنین خواهند کرد.

اوپک در این اجلاس موفق نشد بر سر سهمیه کلی سازمان به نتیجه رسد که هرگاه به نتیجه می رسید نیز در تقسیم آن میان اعضا به مشکل های حل نشدنی بر می خورد.

در این اجلاس، جمهوری اسلامی، لیبی و الجزایر می گفتند همگی اعضای اوپک باید از عرضه نفت به بازار خودداری کنند تا بهای نفت از ۲۸ دلار در ۲۸ بشکه برسد، اما اکثریت رعایت سهمیه اعضا در چوب سهمیه کلی اوپک را توصیه می کرد.

تا که می نشست آخرین اجلاس اوپک، بهای نفت در ایران با آن ژوئن گذشته که کوتاه زمانی ثابت مانده

بود کاهش داد، به گونه ای که در روز چهارم ژوئیه، نفت دریایی شمال در برتردام به ۸/۵ دلار در بشکه معامله شد که نازل ترین قیمت نفت در سیزده سال گذشته بود.

با کاهش بهای نفت از سال گذشته، همه شرکت های نفتی بزرگ و کارکنان و پژوهشگران و معامله گران بورس های بزرگ به پیش بینی میزان وسعت این کاهش و بهررسی پیامدهای آن در اقتصاد جهان پرداختند.

با آن که برآوردهای کارشناسان به دلیل وسعت و پیچیدگی موضوع، هماهنگ و همخوان نیست، همه آن ها بر این نکته اتفاق دارند که زائنی نفت، اقتصاد جهان سوم را بهبود می بخشد، زیرا جهان سوم می تواند با مسأله های از این طریق صرفه جویی می کند، به توسعه صنعتی و خریدگاه های صنعتی و خدمات فنی بپردازد. این عامل، بازرگانی جهانی را رونق می بخشد که البته سهم عمده سود آن نصیب کشورهای صنعتی خواهد شد. هنوز نمانده ای از رونق به چشم نخورده است، اما کسری قدرت خرید کشورهای ما در گذشته نفت به ویژه در خلیج فارس، تا تیسر ثوری و مستقیمی برسد و کارهای صنعتی غیر ما نیز جنگ افزایش آریه این کشورها گذاشته است.

در میان کشورهای صنعتی، ژاپن، آلمان، فرانسه، ایتالیا و کره جنوبی که نفت ندارند بیش از همه از کاهش بهای نفت سود برده اند، اما انگلستان و آمریکا به عنوان مصرف کننده و تولید کننده وضع دیگری دارند. موازنه بازرگانی خارجی انگلستان که در چند سال اخیر به علت فروش نفت گران، مثبت بود، در دو ماه گذشته منفی شد و با کاهش شدید بهای نفت دریایی شمال، لیره استرلینگ در کمتر از یک هفته، سه درصد ارزش خود را از دست داد.

در آمریکا با کاهش قیمت نفت، بسیاری از جاهای کم تولید بسته شده است، بسیاری از کارکنان صنایع نفت، کار خود را از دست داده اند، بر شمار شرکت های تولید و خدمات نفتی که به نقطه ورشکستگی می رسند، هر روز افزوده میشود و بانک هایی که به صنایع نفت و گاز و فعالیت های وابسته به آن، وام های هنگفت داده اند، اکنون گرفتار مشکل های بزرگ شده اند و یکی دو بانک کوچک در ایالت های نفت خیز، خود را ورشکسته اعلام کرده اند.

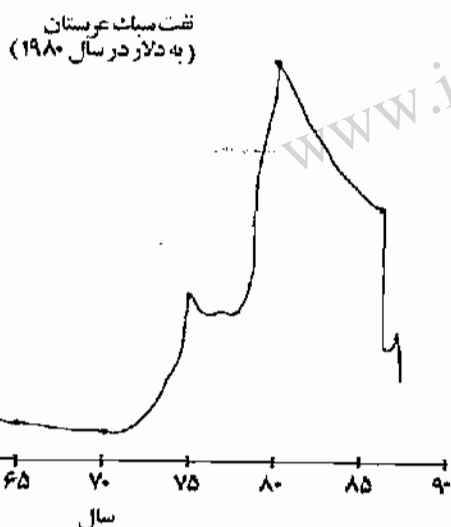
در این میان، سرنوشت وام های بانک های آمریکا، به کشورهای چون نیکریک و ونزوئلا که به چند ده هزار میلیون دلار می رسد، منجم و نامعلوم است. این

کشورها و کشورهای چون اندونزی و نیجریه، با سقوط بهای نفت، قادر به بازپرداخت وام های خود نیستند. گرفتاری های که بر شرکت های بهای نفت برای کشورهای صنعتی پیش می آید، به مراتب کمتر و سبک تر از گرفتاری های آن گروه از اعضای اوپک است که بخش بزرگ درآمد ارزی آن ها از محل فروش نفت به دست می آید. در این میان، تنها عربستان سعودی و کویت، مشکل ارزی قوی ندارند. عربستان ۸۰ میلیون دلار ذخیره ارزی دارد و کویت از محل سرمایه گذاری های صحیح و منظم، درآمدی بیش از درآمد نفت به دست می آورد.

خطر هنوز تنها می چهره، خود را نشان نداده است: برخی از کارشناسان می گویند که قیمت نفت، روند نزولی خود را حداقل تا چند ماه دیگر ادامه خواهد داد و به پنج دلار در بشکه خواهد رسید.

نفت بشکتهایی پنج دلار، از یک سو، شماری از تولیدکنندگان را که هزینه تولیدشان با لیبی گران است، از میدان به در خواهد کرد و از سوی دیگر، باعث خواهد شد که نفت، جایگزین دیگر مواد تسریز را شود و میزان مصرف آن افزایش یابد.

این کارشناسان می گویند علت گسترش اقتصادی جهان در دهه های پس از جنگ جهانی دوم، با این بودن و ثابت بودن قیمت نفت بوده است و در اثبات نظر خود، این نمودار را عرضه می دارند.



آن ها می گویند اکنون نیز قیمت نفت بر اساس دلار سال ۱۹۸۰ تقریباً سه قیمت بعد از جنگ خود رسیده است. به چشم کارشناسان نفتی، در این بنده نزدیک، دگرگونی های اساسی در زمینه

بازاری رود و برمی گردد، این را همه روزه بهتر از همه احساس می کنند: اگر با دست های پربرگرد، با بیست کیف پولش از اسکناس های درشت خالی

شده باشد، ولی چون دیگر اسکناس درشتی برای خا شوا ده ها باقی نمانده است، ناگزیر با دست های تقریباً خالی بر می گردد. آیا در چنین کشوری کار رهنمای آیدانی و ساز زندگی انجام می گیرد؟ اگر آری، گو آن سستی که با بیست آزان برخیزد؟ اگر آری، این گرانی هولناک و قحطی تهدیدکننده از کجا است؟

مانعی گوئیم، رسانه های همگانی معادله شده رژیم می گویند که ورزش امروز در کشور فقط تنها مانده است از آنچه روزی وجود داشت و آن هم دور از نگاه های وحشتناک کارگزاران سیاسی رژیم دارد. زندگی آدام می دهد. رژیمی که از فوتسال می ترسد، رژیمی که این پر بیننده ترین و هیجان انگیزترین و متحرک ترین ورزش ها را مرده و بی تماشاگر می خواهد، چگونه به خود چراغ ت می دهد که با ما "آزورزش دم بزند؟

مانعی گوئیم، رسانه های همگانی معادله شده رژیم می گویند که مسواک و ورزش پرورش تا چه پایای فرو افتاده و نزار شده است: آموزشگان مجرب، اما اخراج شده و بی کار، کلاس های پر اما بی آموزگار، همین چند روز پیش بود که عباس شیبانی نماینده مجلس شورای اسلامی در یک

بهبود وضع بازار نفت رخ نخواهد داد. عربستان که اکنون تولید خود را به سز شش میلیون بشکه در روز رسانده است با ور داردهای از بیرون کم کردن تولیدکنندگان جزء و در دست گرفتن بازار، قیمت نفت را در ۱۵ تا ۲۰ دلار در بشکه تثبیت خواهد کرد. و در این سطح قیمت است که می تواند همگاری تولیدکنندگان عضو غیر عضو اوپک و شرکت های نفتی بزرگ را به دست آورد.

این چنین اکنون با از رجهای، سرشار از نفت است. به کلام دیگر، روزانه دو میلیون بشکه اضافه بر تقاضا به بازار عرضه می شود. این میزان نفت به مصرف بازاری ذخایر نفتی شرکت های بزرگ و دولت ها می رسد. شرکت ها در حدود سه میلیارد بشکه ظرفیت ذخیره سازی دارند و کشورهای صنعتی نیز معمولاً برای مصرف حدوداً ۲۰۰ میلیون بشکه می دارند. وجود این ذخایر نفتی درخور ملاحظه ای در پیش گیری از افزایش قیمت دارد.

برخی از کارشناسان معتقدند که سطح کنونی قیمت نفت، به علت فشار رشدی که بر همه اعضای اوپک به ویژه بر جمهوری اسلامی، لیبی و الجزایر وارد می آورد، آنان را سرانجام به نقطه ای خواهد رساند که همداستان شوند و تقاضای خود را در تولید کمتر و قیمت بالاتر بگذارند، اما کارشناسانی که چنین نظری داده اند، هنوز از میزان شعور و منطق دولت مسردان رژیم اسلامی خبر ندارند که تا چند وقت قیمت مرگ خود، به دیگران زیسان و آسیب برسانند.

سیاست نفتی جمهوری اسلامی از آغاز در جهت عکس سیاست اکثریت کشورهای اوپک حرکت کرده است.

وقتی قیمت نفت در آغاز سال ۱۹۸۰ به سی و چند دلار در بشکه رسید رژیم جمهوری اسلامی کوشید برای بهره برداری کامل از این افزایش بی قاعده و بی پایه،

حداکثر فروش را بکند، غافل از آن که دلیل صعود قیمت، آشفتگی ایران و انقلاب زده و در نتیجه، هرگز اس مصرف کنندگان از کمبود عرضه نیست. بقیه در صفحه ۱۲

سخنرانی پیش از دستور گفت که معلمان به مدارس جنوب شهر تهران نمی روند و به این بر جمعیت تهرانی و نیا زمندترین نقطه، تهران تنها معلمان را می فرستند که بخوابند آن ها را تبعید کنند. شمار دانش آموزان پشت کنکور مانده کارنامه آموزشی رژیم را تعیین می کند، شمار جوانان و دانشجویانی که در جستجوی امکان است آموزش خود را به آب و آتش می زنند بلکه بتوانند در دانشگاهی در هر جای جهان که شده است منویسی کنند، کارنامه آموزشی رژیم را تعیین می کند. تنها چیزی که رژیم مگان آن را فراهم می آورد، جنگ است که جوانان را نمی خواهند، حال آنکه سردمداران رژیم آن را می خواهند. جوانان و ننه تنها جوانان که پدران و مادران، امروز از هیچ چیز به اندازه جنگ وادامه دهندگان آن بیزار نیستند، اینان جمعه جوانان را باید نخست از آموزش و ورزش و ساز زندگی خالی کنند تا بتوانند فشت و مسائل در آن بکنند.

امروز در ایران هیچ چیز منفرتر از جنگ نیست. برای نجات از جنگ اگر هیچ دلیل دیگری هم وجود نداشت، همین پس که دوام رژیم خمینی بسته به ادامه آن است، از جمله به همین دلیل است که مردم در برابر جنگ مقاومت می کنند، همچنان که در برابر همه آنچه دلپسند این رژیم است، مقاومت بخرج می دهند.

## جوانان

### مقاومت می کنند

به تازگی در جمهوری اسلامی تمبرهایی مخصوص جوانان چاپ شده است. در حاشیه سفید این تمبرها به زبان انگلیسی، نوشته اند: روز بین المللی جوانان.

اما آنچه بیشتر جلب نظرمی کند، حاشیه تمبرها نیست، متن آن است که هر بار به موضوعی اختصاص داده شده است. موضوع تمبرها عبارتند از: جوانان و آموزش، جوانان و ورزش، جوانان و ساز زندگی و سرانجام: جوان و دفاع مقدس. در یک جا در جمعه، جوانان قلم و دفتر و کتاب بنها ده اند، یعنی کسه جوانان در ایران امروز سرگرم آموزشند. در جایی میل زورخانه و دوچرخه و وسایل ورزشی دیگر تا چنین القا شده که جوانان در ایران امروز به ورزش های سنتی و مدرن هر دو روی آورده اند. در جای دیگر خوشه گندم و چیزی هم شبیه داس و چکش گذا رها اند یعنی که جوانان در راه آبادانی کشور می کوشند. اما نا به بیت این آرمها مربوط می شود به جوانان و دفاع مقدس. در این تمبرها در جمعه، جوانان مسلسل است

و خشا و فشتنگ.

گفتی ندارد که از این چهار موضوع کدام یک بیش از همه ذهن جوانان را به خود مشغول می دارد و کدام یک در همه مردم ایران جمهوری اسلامی را نیز گفتی ندارد که در جمهوری اسلامی کدام یک از این امکانات برای جوانان فراهم است. جوانان آیا امکان آن دارند که از جدا قتل و سائل و اسباب ورزش برخوردار باشند؟ آیا آموزش آنها روبراه است؟ و سرانجام آیا کوچکترین نشانه ای از جنبش برای آبادانی و سازندگی به چشم می خورد؟

در این میان تنها امری که جمهوری اسلامی با تمام توان امکانات آن را فراهم می آورد، همین است که از هر جا که شده اسلحه فراهم آورد و آن را به دست جوانان و نوجوانان بپسارد و سپس آن ها را، بدون برخورداری از حداقل لازم آموزش رژیم، روانه میدان های جنگ گرداند.

مانعی گوئیم، رسانه های همگانی معادله شده رژیم می گویند که امروز صنعت و کشاورزی، به ویژه کشاورزی، به روزی افتاده است که فقط درصد بسیار ناچیزی از نیازهای مردم کشور را می تواند برآورد. چرا به آثار و آثارم بپردازد. هر خانم خانه دار، هر نان آور خانه که برای تهیه ابتدائی ترین نیازهای خانواده به

### در آستانه یک دگرگونی

مهران طبری

مسأله‌ای که به تازگی از ایران آمده بود، مبین ما را مانند بسیاری می‌دید که هر روز جای دیگری از آن ترک برمی‌دارد و می‌شکند و فرومی‌ریزد. می‌گفت مردم آرزوی کشته‌شدن دست‌کم امروزشان مثل دیروزشان یا شاد و فرادینان مثل امروز. حال آنکه چنین نیست، بلکه امروزشان از دیروز بدتر، و فردایشان بدتر از امروز است. می‌افزود: زندگی فقط یک تکرار یکسان است، بلکه حرکتی است از بد به بدتر، اگر دیروز خاوشی برق که در این گرمای طاقت‌سوز و سائل خنک کننده را از کار می‌اندازد، از روی برنا به صورت می‌گرفت، امروز بدون برنا به صورت می‌گیرد و فردا ممکن است تنها می‌سائل خنک کننده را از کار بریندازد. آن هم در حالی که سائل یک‌گیر نمی‌آید، در حالی که هزینه‌های تعمیرات مدام سنگین‌تر می‌شود.

می‌گفت اینک امروز در ایران می‌گذرد، زندگی نیست، یک کابوس تکرار شونده است. شما روزها افزون خودکشی‌ها، سکت‌های قلبی و اعتیاد، خاوش در میان جوانان، کودال مخوفی است که هر روز غنچه‌های شکفته‌پریمی شوند و در آن می‌ریزند.

خصوصی‌ترین زاویه خانه یا بد مسردم و به‌ویژه جوانان را زیر نظر داشت تا می‌باید بیندازند در جمهوری اسلامی جا می‌گرفت که می‌توان در آن به اعمال ضد انقلابی پرداخت. و این همان به اصطلاح "حاشیه امنی" است که در همه دیکتاتورهای موجود دارد، مگر در جمهوری اسلامی که از این حیث به واقع بدترین دیکتاتور تاریخ است.

این حکومت اسلامی همان حکومتی است که خمینی گفت مردم برای رسیدن به آن انقلاب کردند، خمینی گفت مردم برای نان و خورنده انقلاب نکردند، راست‌گفت، مردم نان و خورنده داشتند و انسان برای چیزی که دارد، انقلاب نمی‌کند. خمینی افزود مردم برای اسلام انقلاب کردند. آن وقت که او این حرف را زد، هنوز تکلیف این حکومت خود را تمام قد نشان نداده بود. اما امروز با هزاران جلوه‌گری بیرون آمده است تا نشان دهد مردم برای نان و خورنده انقلاب نکردند، بلکه انقلاب کردند که آب و برق نداشته باشند، که چاه‌ها پشان شیر خشک نداشته باشند، که تراخم و کجلی و سائل که ریشه‌کن شده بود، برگردد و چشون واگیرد و راست، همه گیر شود. به بیگ کلام: انقلاب کردند تا همه آنچه را که داشتند از دست بدهند و هیچ یک از آنچه را که آیت‌الله مدام وعده داده بود، بدست نیاورند.

می‌گفت در بدترین دیکتاتورهای تاریخ همواره یک "حاشیه امن" وجود داشت و دارد که مردم با پناه آوردن به آن می‌توانستند از خودکشی‌ها، سکت‌های خودکامه تا حدی مومن بمانند. منظور از این "حاشیه امن" محدود ماندن به زندگی خصوصی و کاری به کار دولت نداشته‌اند. یعنی اینک در دیکتاتورهای معمولاً اگر کاری به کار دولت خودکامه نداشته‌اند، دولت هم به توکاری نداشته‌اند و در نتیجه می‌توانستند دست‌کم زندگی خصوصی را همان گونه که دلخواه توست، بسازی.

وی می‌افزود اما در جمهوری اسلامی چنین نیست، اگر هم کاری به کار دولت نداشته‌اند، دولت با توکار دارد، زیرا آیدولوژی رسمی و حاکم هیچ قلمرویی را آنقدر خصوصی نمی‌شناسد که دست‌اندازی و تها و زنگند.

او سخنان حجت‌الاسلام رهبر "رئیس دایره عقیدتی-سیاسی" سازمان تبلیغات اسلامی را مثال آورد که گفت در اسلام زندگی خصوصی وجود ندارد و در نتیجه چشم‌های مراقب حکومت باید همه جا افراد را زیر نظر داشته‌اند. "سازمان تبلیغات اسلامی"، جا می‌گفت که من، یا به عبارت درست‌تری منری تبلیغات رهبر دوران فرما نمی‌کشد. این سازمان رهبر دایره به نام حجت‌الاسلام رهبر که می‌گوید رکوستان، در دریا، در دشت، آری حسی در

و در آن می‌ریزند. می‌گفت در بدترین دیکتاتورهای تاریخ همواره یک "حاشیه امن" وجود داشت و دارد که مردم با پناه آوردن به آن می‌توانستند از خودکشی‌ها، سکت‌های خودکامه تا حدی مومن بمانند. منظور از این "حاشیه امن" محدود ماندن به زندگی خصوصی و کاری به کار دولت نداشته‌اند. یعنی اینک در دیکتاتورهای معمولاً اگر کاری به کار دولت خودکامه نداشته‌اند، دولت هم به توکاری نداشته‌اند و در نتیجه می‌توانستند دست‌کم زندگی خصوصی را همان گونه که دلخواه توست، بسازی.

وی می‌افزود اما در جمهوری اسلامی چنین نیست، اگر هم کاری به کار دولت نداشته‌اند، دولت با توکار دارد، زیرا آیدولوژی رسمی و حاکم هیچ قلمرویی را آنقدر خصوصی نمی‌شناسد که دست‌اندازی و تها و زنگند.

او سخنان حجت‌الاسلام رهبر "رئیس دایره عقیدتی-سیاسی" سازمان تبلیغات اسلامی را مثال آورد که گفت در اسلام زندگی خصوصی وجود ندارد و در نتیجه چشم‌های مراقب حکومت باید همه جا افراد را زیر نظر داشته‌اند. "سازمان تبلیغات اسلامی"، جا می‌گفت که من، یا به عبارت درست‌تری منری تبلیغات رهبر دوران فرما نمی‌کشد. این سازمان رهبر دایره به نام حجت‌الاسلام رهبر که می‌گوید رکوستان، در دریا، در دشت، آری حسی در

### درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴ فرانک فرانسه -

شش ماهه ۱۲ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اسم نام و نام خانوادگی به فارسی و به عربی (لاست)

نام خانوادگی: Nom

نام: Prénom

آدرس: Adresse

مایلیم نشریه پیام ایران را به صورت ماهانه به حساب بانکی من بفرستد. به حساب بانکی من بفرستد. به حساب بانکی من بفرستد.

شماره حساب بانکی: QYAM IRAN C.C.P No: 2400118/E PARIS

شماره حساب بانکی: QYAM IRAN Crédit du Nord 78 Rue de la Tour 75116 Paris Compte No: 11624700200

### توجه لازم

شما در این شماره از اشتراک را به آدرس پیام ایران ارسال فرمائید. نامه‌ها را که به آدرس اشتراک می‌فرستید، به ما می‌رسد.

### نشانی پستی ناخدهای

#### نهضت مقاومت ملی ایران

#### در کشورهای مختلف دنیا

N.A.M.I.R. Postfach 171007 8000 MUNCHEN 12 W. Germany

N.A.M.I.R. Postfach 523 1121 WIEN AUSTRIA

PO BOX 57278 WASHINGTON, D.C. 20037 U.S.A

N.A.M.I.R. PO BOX 313 LONDON W 2-JQX ENGLAND

PO BOX 130 1600 TULLINGE SWEDEN

TBS - MO 85 111/118 MAKER CHAMBER (V) NARIMAN POINT BOMBAY 400021 INDIA

NEHZAT P.B. 246 3230 AE BRIELLE HOLLAND

A CH APARTADO CORREOS 50-112 MADRID SPAEN

NAMIR P.B. 1902 STN. B. WILLODALE ONT M2K 276 CANADA

A R CASELLA POSTALE 601 00187 ROMA ITALIA

رهبر کبیر جنبش ملی، برگزار میشود. شاخه نهضت مقاومت ملی ایران دراتیش که این مراسم را برپا می‌دارد از هم‌میهنان عزیز دعوت می‌کند تا با شرکت در این بزرگداشت، همبستگی خود را با نیروهای ملی و میا روز و ضد استبداد به نمایش بگذارند.

### بزرگداشت سالروز ملی قیوم

روزمعه بیست و پنجم ژوئیه ۱۹۸۶ در محل "خانه ایران" در شهر وین مراسم بزرگداشت سالروز "سی تیر"، روز قیام ملت ایران در پشتیبانی از دکتر محمد قیوم

مردم افزوده می‌شود، به‌ویژه تورم هرچه سرسام‌آورتر می‌شود. اکنون، از نیازهای جنگی که بگذریم، واردات به چند قلم مواد غذایی اساسی محدود شده است. واردات، معادل ۶۰۰ میلیون دلار است. با واختمت روز افزون وضع ارزی، بی‌گمان، واردات ماه‌های بعدی، به میزان واردات فروردین ماه، آخرین ماهی که آثار آن انتشار یافته، نخواهد رسید.

اگر نیازهای ارزی جنگ را که به ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار در ماه برآورد می‌شود، کنار بگذاریم، رژیم با توجه به درآمدهای نفتی ماهانه‌اش برای برآورد نیازهای وارداتی ضروری یک جمعیت ۴۵ میلیونی تنها ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون دلار ارز در اختیار دارد. با این تنگدستی، آیا کوتاه‌بینان با زهم خواهند توانست در از دست‌گذاشتن کنند؟

عاید رژیم نشد. در بودجه سال ۱۳۶۵ هم‌زمان با کاهش بیای نفت، درآمد نفتی ۱۶ میلیارد دلار پیش‌بینی شد که در مجلس اسلامی، بحث وجدل‌ها برانگیخت و سرانجام، رقم دیگری برای آن تعیین شد. اما گفتنی است که در سه ماه نخست سال جاری، درآمد جمهوری اسلامی از محل نفت، هر ماه ۴۰۰ میلیون دلار بوده است. یعنی نصف درآمد ماه‌های مشابه در سال گذشته. در این میان، رژیم هر روز، در باره گسترش صادرات غیرنفتی دمی‌زند، اما درآمد ارزی از این محل هنوز که هنوز است به حد دوران پیش از انقلاب نرسیده است. وانگهی، افزایش آن، در کوتاه مدت، دردی را دوا نخواهد کرد.

در این گیرودار، به‌گفته خود رژیم، طرح‌های عمرانی به علت نبود ارز، تعطیل شده است. کارخانه‌های تولیدی نیز به علت فقدان مواد خام و وسایل یدکی، یا تعطیل شده‌اند یا با چند درصد ظرفیت امیلی کار می‌کنند و به زودی تعطیل خواهند شد. در گیرودار که کارگران بی‌کار این کارخانه‌ها، فوج فوج، به خیل چند میلیونی بی‌کاران می‌پیوندند و حجم فرآوردده‌های داخلی در بازارهای کشور به علت رکود صنعتی کاهش می‌یابد، بر معطل‌های بی‌شمسار

نشانی: QYAM IRAN C/O G.B. 17, bd RASPAIL, 75007 PARIS FRANCE

### جمهوری اسلامی و بنامد سقوط قیوم نفت

### دگرگونی‌های سریع در بازار نفت

بقیه از صفحه ۱۱

با افزایش عرضه، طبعاً "قیمت‌کاهش یافت و رسماً در ۲۹ دلار درینکسه تثبیت گردید و سپس به قدمتی دل‌نگه داشتن عرضه و تقاضا، برای اعصاب سهمیه تعیین شد تا قیمت رسمی حفظ شود.

جمهوری اسلامی، بی‌درنگ، هم از سهمیه خود تجاوز کرد، هم به قیمت رسمی واقعی نگذاشت. سپس قیمت رسمی به ۲۵ دلار درینکسه تنسزل داده شد تا با قیمت بازار آزاد نتاسب بیشتری یابد.

جمهوری اسلامی در این زمان نیز ضمن اعتراض به کسر قیمت رسمی، عملاً قیمت جدید را شکست و اگر توانایی فنی می‌داشت، از سهمیه خود افزون‌تر تولید می‌کرد.

سازمان، خواب‌های طلایی به‌کابوس بدل شد و اکنون که در شروع هم‌کاری رژیم اسلامی با دیگر اعضا، او یک به سازمانی در هم ریخته و بی‌اشرفی ماند و در شرایطی که دیگر نه قیمت و نه سهمیه مورد توافق اعضاست، آخوندها خدعه دیگری پیش آورده‌اند، می‌گویند با بستن شیرهای نفت، می‌توان قیمت را به ۲۸ دلار درینکسه بازگرداند. با این خدعه می‌خواهند تا زکریا را در ایران دیگر باره قریب دهند و خریداران را در

# ایران هرگز نخواهد مرد